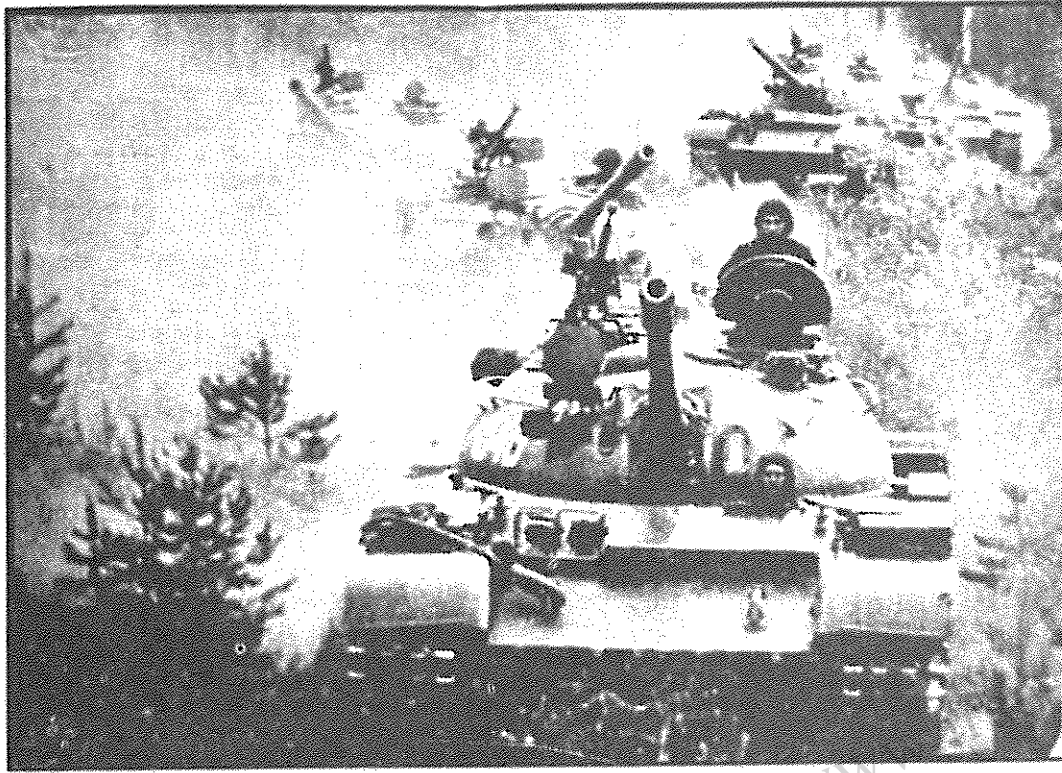


قشون تازه نفس روسیه در کابل

نبرد مجاهدین با



خبرگزاری‌های جهان از کابل گزارش میدهند در اطراف کابل جنگ شدیدی بین مبارزین افغانستان و نیروهای اشغالگر روسی ادامه دارد. در روزهای اخیر دهها هزار سرباز روسی تازه نفس وارد کابل شده‌اند تا مواضع این شهر را در قبال تهاجم مجاهدین به کابل تقویت نمایند. در روزهای پیش ارتش روسیه چندین دهکده اطراف کابل را از طریق زمین و هوا با خاک یکسان کرده است.

در کابل مجاهدین به تاکتیک جنگ و گریز دست زده، مأمورین دولت و اعضای حزب پرچم را بقتل می‌رسانند. روزنامه دیلی تلگراف از کابل گزارش داده است حدود ۸ هزار تن از مجاهدین به پایتخت افغانستان نفوذ کرده‌اند تا آماده جنگ در شهر کابل شوند. تظاهرات دانش‌آموزان در کابل همچنان ادامه دارد و بیش از ۳ هزار دانش‌آموزان در زندان بسر می‌برند. اخیراً "ژیم بیرک" تحت فشار مبارزات مردم ۴۲ نفر از کسانی را که در تظاهرات دستگیر نموده بودند آزاد ساخت. رادیو کابل از قول وزیر دفاع افغانستان به کلیه پسران که به ۲۱ سال رسیده‌اند دستور داد خود را به بقیه در صفحه ۲

سال دوم دوره دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

پنجشنبه ۲۲ خرداد ۵۹ شماره ۶۳ تک شماره ۱۰ ریال

سالروز قیام کارگران کوره پزخانه‌های تهران گرامی باد!

در صفحه ۴

آخرین خبر

تحصن عشایر قشقای در فرودگاه شیراز بعنوان اعتراض به

ناپدید شدن مجدد خسرو قشقای

شیراز - خبرنگار رنجبر - از ساعت ۷ صبح دیروز تا هنگام گزارش این خبر (بعد از ظهر دیروز) عده‌ای حدود ۲۰۰ نفر از عشایر قشقای در فرودگاه شیراز منتظر بقیه در صفحه ۲

توطئه‌ای دیگر علیه نظم و قانون

بازداشت آقای خسرو قشقای :

دولت رادارتند. تلاشی که با گردن نهادن به قوانین، تعارض با مسئولین و منتخبین مردم و خودکامگی‌های فردی و گروهی، به ادامه و تشدید هرج و مرج، عدم مرکزیت و بی قانونی دامن می‌زنند، زیرا که منافع خود را در ادامه چنین اوضاعی می‌بینند.

دستگیری غیرقانونی و همراه با ضرب و جرح آقای خسرو قشقای نماینده اقلیدفارس در مجلس شورای ملی، اعتراضات فراوانی را برانگیخت و برآستی نمایشگر جوانب بسیار زشتی از وضع حاکم برجای می‌ماند. گرچه آقای قشقای با تمایل دفتر امام و به دستور رئیس جمهور آزاد شد و غائله

برای رفع گرانی فکر و عمل اساسی بکنید

مردم می‌گویند:

« بچه‌هایم را با خودم بیرون نمی‌آورم مباد اهنوس میوه بکنند »



غول گرانی تمام ابعاد جامعه را فراگرفته است. قیمت کلیه اجناس و ارزاق عمومی افزایش یافته است خود باعث تضعیف قدرت خرید مردم گردیده است. در این میان از جمله اقلامی که قیمت آن بطرز بازاری افزایش یافته میوه است. میوه که یکی از احتیاجات ضروری مردم است که مقدار مصرف آن نسبتاً زیاد است. مادر اینجا گزارشی داریم از وضع قیمت میوه که خبرنگاران رنجبر با مراجعه به مراکز توزیع و فروش و مصرف میوه و در تماس نزدیک و زنده با بخش‌های مختلف میوه‌فروشی

تفرقه‌ور اسلام مبارز
و ضرورت وحدت
به هشدارهای
امام توجه کنیم

امام خمینی صبح روز سه‌شنبه ۲۰ خرداد در ملاقات با استانداران و وزیر کشور سخنان مهمی درباره اختلافات و جدالهای گروهی در میان نیروهای اسلامی حاکم و مستولان امور بیان کردند و نسبت به خطرات چنین اختلافاتی در شرایط حساس کنونی کشور اظهار نگرانی شدید نموده و هشدار دادند.
امام خمینی بدستی گفتند که در حال حاضر عمدتاً این اختلافات درونی خودمان است که دارد به جمهوری اسلامی صدمه می‌زند و دشمنان خارجی هم با استفاده از همین تفرقه می‌توانند ما ضربه بزنند

ما را که با وحدت پیروز شدیم، با شکست مواجه سازند.
 امام خمینی در سخنان خود مسئولین و مقامات مختلف را از ایجاد مراکز قدرت در مقابل هم و دخالت در امور یکدیگر برحذر داشته و توصیه کردند که هر مسئولی در کار خود اصول صحیح را به اجرا درآورد.
 امام خمینی با هشدار نسبت به خطراتی که جمهوری اسلامی، میهن و مردم ما را تهدید میکند، گروهها و مقامات مسئول را به وحدت و همکاری فرا خواندند.
 در شرایط کنونی حیات کشور ما که اختلافات حتی در میان جناحهای اسلامی بسیار حاد شده و در همه صحنه ها و نهادهای سیاسی و اجتماعی خود را نشان میدهد، بیانات و هشدارهای امام خمینی را باید بسیار با اهمیت تلقی نمود.
 زیرا شرایط حساس ادامه انقلاب و لزوم حفظ و تحکیم استقلال تازه بدست آمده و تکامل کشور و خطراتی که بویژه از جانب آمریکا و شوروی و عمل داخلی آنها ما را تهدید میکند، ایجاب می نماید که وحدتی وسیع و استوار حتی استوار تر از دوران انقلاب ایجاد شود.
 ما برخلاف بسیاری از بهانه جویی ها و افکار نادرست معتقدیم که هم میتوان و هم باید وحدت کرد. لکن وحدت باید اساس و معیاری داشته باشد و برنامه و وظایف عملی مشخصی را برای متحدین روشن نماید.

در حالیکه اغلب نیروهای استقلال طلب، وحدت بر مبنای یک برنامه سیاسی را مطرح کرده اند و تجربیات انقلابی در جهان و در میهن ما درستی وحدت بر مبنای معیارهای سیاسی را اثبات نموده است، بخش هایی از جنبش اسلامی بخصوص بعد از کسب قدرت، تنها بر "وحدت مکتبی" پافشاری کرده اند. البته این درست است که وحدت اسلام مبارز یکی از ارکان اساسی وحدت بزرگ خلق است، اما امروز دیگر روشن شده است که علاوه بر وحدت همه نیروهای استقلال طلب، حتی وحدت صفوف خود اسلام مبارز نیز باید بر مبنای معیار سیاسی و برنامه سیاسی باشد. هم اکنون می بینیم که عسدهای "معیار مکتبی" را به چماقی برای تسویه حسابهای گروهی و شخصی در میان جنبش اسلامی تبدیل کرده اند.
 ما ضمن آنکه همچنان بر ضرورت "اتحاد بزرگ ملی" متشکل از سه جریان تاریخی اسلام مبارز، ملی گرای موقر و سوسیالیسم انقلابی بقیه در صفحه ۲

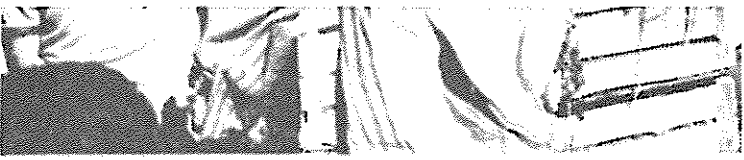
های مربوطه، برای تهیه نمودن...
 در ابتدا به میادین توزیع و فروش میوه در خیابان رباط کریم تهران رفتیم. کامیونهای مالامال از میوهها و تره بارهای مختلف این میادین را بر بقیه در صفحه ۲

باند کبانوری از جوجه های دست آموزش حمایت میکند

روس نامه "مردم" در سه شنبه ۲۰ خردادماه خود، بار دیگر به دفاع از جوجه های دست آموزش خود یعنی داروسته "اکثریت" در رهبری چریکها برخاسته و حزب ما را که یگانه نیروی است که به افشای اتحاد ننگین ضد انقلابی و ضد ملی باند کبانوری و رهبری غاصب چریکها پرداخته به یاد حملات رد یلانه خود گرفته است.

روس نامه "مردم" حزب ما را به زعم خود در زمره "آن دسته از مائوئیست" ها قرار داده که "نظاره مدافع انقلاب هستند" و میگوید: "قاعدتا میبایست (این دسته)... از حضور فعال چریکهای فدائی خلق در جبهه انقلاب استقبال کنند، اما همین جا بود که بار دیگر ماهیت ضد انقلابی این ریاکاران هم آشکار شد و "به به" و "چه چه" به دشنام لجام گسیخته تبدیل گردید." (مردم شماره ۲۵۵)

مثل معروفی است که "دروغگو کم حافظه است". قلم زنان "مردم" هم در اینجا کم حافظه از آب در می آیند چون دروغگو هستند. آنها فراموش میکنند که حزب ما، نه تنها هرگز "به به" و "چه چه" نثار رهبری غاصب سازمان چریکها نکرده، بلکه همواره علیه روند تسلیم طلبانه آنها در برابر رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم سرسختانه مبارزه کرده و آینده شوم این روند را که امروز در آغوش باند کبانوری خاتمه یافته است، از همان آغاز بروشنی و وضوح تمام پیش بینی کرده و در برابر آن هشدار داده بود. این مزدور نامه "مردم" بود که هر لغزش کوچک و بزرگ رهبری غاصب سازمان چریکها را به سوی ورطه رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم با روی خندان تبریک گفته و این رهبری را به برداشتن قدم نهائی تشویق کرده است.



بارفروشان و کارگران میدان طاهری مسائل خود را با خبرنگار رنجبر در میان میگذارند

باند کبانوری (که تلاش میکند یخشهایی از نیروهای اسلامی شرق گرا را نیز در برگیرد) ادامه خواهیم داد باند کبانوری به می پندارد با جبهه روسی خود خواهد توانست کاری از پیش برد. جبهه روسی او در زمانی تشکیل میگردد که توده ها در شهر و ده با ارزیابی درستی که از باند کبانوری در حزب توده و رهبری غاصب چریکها دارند فریاد میزنند: "توده ای، فدائی، انگل اجتماعی"

حزب ما از مدتها پیش بدرستی ارزیابی کرد که این لغزشها و حرکت های قهقرائی سرانجام به اتحاد با باند کبانوری و تشکیل جبهه روسی انقیاد ملی (بقول "مردم": "جبهه متحد خلق") خواهد انجامید، جبهه ای که وظیفه اش تدارک و رهبری کودتای روسی علیه جمهوری اسلامی ایران است. اکنون هم که زندگی مهر تأیید بر ارزیابی های درست و پیش بینی های ما کوبیده است، ما پیش از گذشته و با قوت و شدت ده چندان به افشای "جبهه" روسی انقیاد ملی

باند کبانوری (که تلاش میکند یخشهایی از نیروهای اسلامی شرق گرا را نیز در برگیرد) ادامه خواهیم داد باند کبانوری به می پندارد با جبهه روسی خود خواهد توانست کاری از پیش برد. جبهه روسی او در زمانی تشکیل میگردد که توده ها در شهر و ده با ارزیابی درستی که از باند کبانوری در حزب توده و رهبری غاصب چریکها دارند فریاد میزنند: "توده ای، فدائی، انگل اجتماعی"

بقیه در صفحه ۲

حالی که نه مدرک جرم اثبات شده ای در دست است، نه دادستان از آن اطلاعی دارد و نه رئیس جمهور و فرمانده کل قوای مسلح، با هیچ بهانه ای توجیه پذیر نیست. اگر فرار است در این مملکت نظم و قانون حکمفرما شود و انقلاب ادامه یابد، باید ریشه این مراکز خودکامه را که بیش از پیش به عامل اصلی هرج و مرج در صفحه ۲

برخی دست اندرکاران دلسوز روبه آرامش میروند، اما التیام زخمی که این واقعه و وقایع نظیر آن - گه تعدادشان متأسفانه کم نیست - بر پیکر رنجور قدرت مرکزی جمهوری اسلامی وارد میشود، به زمان طولانی تری نیاز دارد.
 این واقعه اسف انگیز قبل از هر چیز نشانگر ادامه و تشدید تلاشهایی است که قصد ضربه زدن به حاکمیت

سالروز بعثت بر مسلمانان گرامی باد

دیروز چهارشنبه ۲۱ خرداد، سالگرد بعثت محمد، پنجمین پیامبر توحیدی و پیشوای مذهبی بیش از نیم میلیارد تن مسلمانان جهان بود. مسلمانان جهان، در سراسر گیتی، این روز را جشن میگیرند. ما این عید اسلامی را به کلیه مبارزان پیرو محمد در سراسر جهان و بخصوص هم میهنان مسلمانان تبریک می گوئیم.
 ۲۷ رجب، روز بعثت روزی است که محمد رسالت پیامبری خود را آغاز نموده و شروع به تبلیغ اسلام نمود. تا چندین سال پس از بعثت، پیامبر اسلام، بطور مخفی به تبلیغ اسلام می پرداخت و با وجود آزار و اذیت بت پرستان، بطور خستگی ناپذیر راه خود را ادامه داد. او منادی عدل و معنویت بود، منادی مبارزه برای رفع تبعیضات و یکپارچگی مردم بزر پرچم توحید و اسلام بود.
 روز بعثت، روزی بزرگ برای امت اسلام است و از همین رو هر ساله در چنین روزی، مسلمانان جهان به شادمانی پرداخته و مجالس وعظ و خطابه، به تشریح سجاایات محمد و رسالت او می پردازند. بعثت پیامبر بر مسلمانان گرامی باد!

در این شماره:

نامه یک دهقان به حضرت آیت الله منتظری در مورد قیمت خرید گندم - صفحه ۳

"راه کارگر": گذرگاهی بسوی امپریالیسم روسیه - صفحه ۶

مبارزه با فرهنگ و هنر طاغوتی را چگونه باید به پیش برساند؟ صفحه ۴

مصاحبه «رنجبر» با هیئت نمایندگان آزادیبخش ملی مورو»

در جریان کنفرانس بین المللی بررسی مداخلات امریکادرایران خبرنگار رنجبر مصاحبه کوتاهی با آقای نورمیسواری رئیس هیئت نمایندگی جبهه آزادیبخش مورو ترتیب داد در این مصاحبه شرحی از چگونگی فعالیت های جبهه، روابط جبهه با ایران و نیز ارزیابی از کنفرانس تهران آمده است.

مقاومت مادر حال حاضر هر روز شتاب بیشتری میگیرد و وفق پیروزی های باز هم بیشتری را نمایان ساخته است.
 جبهه آزادیبخش ملی مورو در خارج از کشور نیز بسرعت رشد کرده است. ما اکنون از حمایت بیش از پیش جهان اسلام و برخی دیگر از نیروهای مترقی و انقلابی جهان بر خود ابراهیمیم.
 رنجبر - مناسبات شما با ایران در حال حاضر چگونه است؟
 آقای میسواری - پیروزی درخشان بقیه در صفحه ۲

دولت فیلیپین آغاز شده و جبهه ما توانسته است پیروزیهای بسیاری در خبانی در این نبردها کسب کند. جنگجویان آزادیخواه ما هزاران هزار تن از نیروهای دشمن را منهدم کرده اند و ما قادر شده ایم مقاومت نظامی مان را در محدوده ۲۵ ایالت و چندین شهر بزرگ توسعه دهیم.

رنجبر - وضعیت جبهه آزادیبخش ملی مورو در حال حاضر چگونه است؟
 آقای میسواری - من مایلم ابتدا از وضعیت داخل برایتان بگویم. از نوامبر سال گذشته تاکنون و در حال حاضر فعالیت های نظامی ما و دشمن تشدید یافته است. البته این تشدید جنگ نظامی مطابق معمول از طرف

بقیه از صفحه ۱
"برای رفع گرانی..."

کرده بود. بعضی از کشاورزان و باغداران که خود همراه جنس به آنجا آمده بودند با چهره‌هایی زحمت کشیده و رنج دیده، در اطراف میوه‌ها دیده میشد. یکی از کشاورزان در حالی که کنار کیسه‌های خیار حاصل دسترنج خود ایستاده بود در گفتگو با خبرنگار "رنجبر" گفت: "ما برای چیدن این خیارها کیسه‌های ۱۰ تومانی دستمزد و برای قیمت هر کیسه نایلونی خالی ۶ تومانی میپردازیم. تازه برای حمل و نقل آن نیز به ازای هر کیلو ۴ ریال گرایه میدهم و امروز در میدان کیلویی ۲۰ ریال بفروش میرسد که از این بابت هم تومانی یک ریال به بار فروش در میدان میپردازیم. این جوری چیز زیادی برای ما باقی نمی‌ماند. این کشاورز که اهل کوه خیل بود یکی از دهات جویبار بابل بود شدیداً اظهار نگرانی میکرد و می‌گفت:

"شالیکاری وضعیت خوب نیست. از ۱۵۰ اسفند تا بحال هم بارندگی نشده و آب کم داریم و آنهم شور است.

به سراغ بارفروشان میرویم. در جواب سؤال خبرنگار "رنجبر" که علل گرانی چیست، آقای حیدرعلی ابراهیمی که از بارفروشان میدان طاهری است میگوید:

"تولید از یار سال بیشتر است ولی مصرف خیلی بیشتر شده است زیرا که جمعیت تهران به مرز ۶ میلیون رسیده است".
دوم مسئله افزایش بیکاری است که خود باعث گردیده که بخش زیادی از بیکاران به خرده‌فروشی بپردازند. هر کدام از این خرده‌فروشان بعلت وضع بد مالی خود، حدود ۲۰۰ کیلو میوه از میدان خریداری میکنند و باید با فروش این مقدار میوه معاش خود و خانواده را تأمین کنند، در نتیجه قیمت‌ها بالا میبرند. نرخها از طرف کمیته مورصنفی میادین غسرب تهران "هفته‌ای یک یا دو بار مشخص میشود اما کارکرد ندارند و گران تر از نرخ روز هستند که ماهه مشتری میدهم.

در این وسط مافوق ۱۰٪ از فروش بار را میبریم و هر نرخی که مشتری بتواند بخرد میفروشیم. البته نباید حداکثر نرخ تعیین شده از طرف کمیته

امور صنفی بیشتر باشد. از میدان میوه خارج می‌شویم هنوز قیمت خیار از ۲۰ ریال به ۴۰ ریال افزایش می‌یابد هر چه قدر سمت شمال شهر میروی به نسبت فاصله از مراکز فروش میوه قیمت‌ها افزایش می‌یابد. قیمت‌های وحشتناک که به ۳ تا ۴ برابر قیمت اصلی در میدان میرسد.

به بازار میوه میدان حنیف نژاد (شاهپور سابق) میرویم. گیلان ۲۵۰ ریال تا ۳۰۰ ریال، زردآلو ۲۲۰ ریال، گوجه‌سبزه ۱۰۰ ریال، هندوانه ۴۵ ریال و... میوه‌ها رسیده و مطلوب هستند اما قیمت‌ها سرسام آور است. پای صحبت مغازه‌داران و فروشندگان جز میوه میشینیم یکی میگوید: گرانی میوه، بعلت گرانی نیروی کار (کارگر) و بلا بودن خدمات شهری است.

دیگری میگوید: "ما گران میخریم و مجبوریم گران بفروشیم، پاکت میوه کیلویی ۱۱۰ ریال است اما قبول داریم که میوه گران است و مردم هم حق دارند که به این قیمت‌ها اعتراض کنند." در این حال مردی که متوجه شدن عده‌ای خبرنگار در آنجا هستند شروع به صحبت میکنند:

"آقای گز زیادی از قیمت‌ها خوش به‌جوش آمده بود فریاد می‌زد: "آقا، گیلان کیلویی ۲۶ تومان مگه درختش عوض شده که ما نمیتوانیم بخوریم. بعضی از فروشندگان واقعا بی‌انصافی میکنند، مثلا هندوانه را کیلویی ۶ تومان خریدیم، آنهم کال بود".
چند خانم چادی دور ما جمع شدند یکی از آنها میگفت: "آقا، ما کارگریم نمیتوانیم بخوریم، همه کارها را برای کارگر کردند و لسی فعلاً شده برضد کارگر، تمام رفت توجیب داراها. ماشین‌هایشان اینجا می‌آیند می‌خورند و می‌برند و می‌خورند و بچه‌های ما باید اشک بریزند.

فروشنده به میان حرف‌ش پرید و گفت: "خانم تنهارا علاجش نخریدن است." زن چادری با خشم گفت "راه حل چیه، ما عملاً هیچوقت نمیتوانیم این قیمت‌ها را بپردازیم." خانم دیگری با ناراحتی گفت: "آقا بخدا بچه‌هایم را بخودم بیرون نمیآورم مبادا هوس کنند دلشان بخاهد و منم در خالختش بومون." آقای سنی گفت: "من میتوانم مقدار کمی بخرم اما چون در همسایگی ما خانواده کارگری هستند و نمیتوانند

این چیزها را بخرند، من با خود می‌گویم شاید بچه آن کارگر ببیند و دلش بسوزه، برای همین اصلاً میوه نمی‌خرم.

همه مردمی که باید مصرف کنند میوه باشند و نیستند و در دلد زیاد داشتند و هر کس سخنی میگفت، خانمی که بنظر می‌رسید از خانواده متوسطی باشد روی یمن کرد و گفت: "چند روز پیش کارگری که برای خانه ما نفت می‌آورد میگفت خانم خانه شما درخت گیلان ندارد، آخه من هوس گیلان کردم، گفتم نه والله اما این دفعه که گیلان خریدم و آمدی اینجا مقداری بهت میدهم.

همه فغان از گرانی میکنند کاسب علت گرانی را با فروش میدان و بار فروش کاسب را مقصر میدانند. و گاهی میگویند آب از سرچشمه گل آلود است و تقصیر اصلی از تولید کنندگان است. آنچه مسلم است کشاورزان و تولید کنندگان کوچک وضع چندان درخشانی ندارند. اگر چه بعلت بهره‌مند شدن از بعضی از نعمات پیروزی انقلاب موفق شده‌اند که حداقل رونقی به تولید بدهند اما با پرداخت قیمت‌های سرسام‌آور گوشت، سم، دستمزد و... هنوز به سختی میتوانند هزینه زندگی خود را تأمین نمایند.

مردم می‌رسند چرا دولت کاری نمیکند. در حالیکه دولت مسئولین مملکتی بخوبی واقفند که کم مردم و بخصوص زحمتکشان زیرگرانی قیمت‌ها خم شده‌است، چرا اقدام نمیکند. تازه هر وقت هم دست به اقدامی زده‌است خود عاملی برای ترقی قیمت‌ها بوده است و در اکثر موارد اثر مثبتی نگذارد. راستی چه کسی مسئول این وضع نابسامان است؟ و چه کسانی مسئول رسیدگی به وضع زندگی مردم هستند؟

آنچه که در این میان بیش از همه مردم را نگران کرده نبودن هیچ نشانه‌ای برای بهبود وضع است. مردم هنوز تا مدتی نمیتوانند نابسامانی را تحمل کنند، بشرط آنکه به تغییر وضع امیدوار باشند. و گرنه ستم شدیدی که بر آنان روا میشود، رفته رفته غیر قابل تحمل خواهد گشت و بتدریج امیدهایی که بآن دل بسته بودند به بدبینی و دل سردی تبدیل خواهد شد. و این بزرگترین فاجعه برای انقلاب اسلامی است، فاجعه‌ای که دشمنان ملت و میهن ما در انتظار آن روز شماری میکنند.

در شرایطی که پس از حوادث خوزستان و گنبد، حوادث کردستان هنوز ادامه دارند و در حالیکه احتمال ایجاد بلوا در فارس بدنیال دستگیری آقای قشقای آنهم باینصورت غیر قانونی و



گزارشات شهرستانها

حمله واهانت به جامعه پزشکان کرمان

کرمان ۱۷ خرداد ۵۹: بطوریکه در اطلاعیه‌های شماره یک و دو جامعه ملی پزشکان و دامپزشکان و داروسازان کرمان آمده است. در تاریخ ۱۰ خرداد عده‌ای حدود ۱۰ نفر تحت نام "اعضای جامعه اسلامی دانشگاه" برای برهم زدن امتحانات دانشجویان دانشکده پزشکی به بیمارستان شماره یک دانشکده پزشکی کرمان حمله کرده و پس از مجروح نمودن عده‌ای از کارکنان بیمارستان و حمله و فحاشی به پزشکان و شکستن شیشه‌ها وارد بیمارستان شده، جلسه آنان را برهم میزنند و سپس تا طبقه چهارم بیمارستان به تعقیب کارکنان بیمارستان و پزشکان می‌پردازند و در این زمان پاسداران نیز آمده و عده‌ای از کارکنان، پزشکان رئیس بیمارستان و رئیس دانشگاه را بنحوی بسیار توهین آمیز به شهربانی و از آنجا به خانه پاسداران منتقل کردند.

جامعه ملی پزشکان، دندانپزشکان و داروسازان کرمان در این اطلاعیه خواسته‌اند که:

- ۱- مقامات مسئول جهت تأمین امنیت شغلی پزشکان و کلیه کارکنان بخشهای مختلف پزشکی در کلیه مراکز پزشکی و درمانی تضمین کافی بدهند.
 - ۲- افراد حمله کننده به بیمارستان و پاسدارانی که همکاری مارادستگیر کرده‌اند بمردم معرفی و مجازات شوند.
- اطلاعیه اضافه میکند که پزشکان عضو جامعه مزبور از روز حمله به بیمارستان کلیه مطب‌ها تعطیل کرده‌اند و در بیمارستانها و مراکز اورژانس فقط بیماران اورژانس را میپذیرند.
- لیکن در روز ۱۱ خرداد ماه این جامعه با انتشار اطلاعیه‌ای رادیو تلویزیونی اعلام داشت که بنا بر پیشنهاد و تقاضای کمیته بهداشت و درمان جهاد سازندگی و با توجه به شرایط حساس مملکت و بخاطر اینکه در این رهگذر آسیبی متوجه بیماران نگردد از دست زدن به اعتصاب یا هرگونه کم کاری خودداری کرده و تعقیب موضوع را به مقامات مسئول می‌سپارد. وهم اکنون پزشکان شهر به کار عادی خود ادامه میدهند.

بقیه از صفحه ۱
"مصابه رنجبر" با هیئت نمایندگی جبهه

« پیروزی درخشان انقلاب اسلامی ایران در حقیقت پیروزی مردم ما نیز بوده است »

انقلاب اسلامی ایران در حقیقت پیروزی مردم مانیز بوده و روابط فی مابین دولت جمهوری اسلامی ایران و مردم ماکه مردم جمهوری اسلامی باینگ سامورو نامیده میشوند، هر روز قویتر و عمیقتر میشود.

اولین اقدام جمهوری اسلامی ایران این بود که بیا اجازه داد تا از ایران دیدار کنیم. هیئت نمایندگی مایس از پیروزی انقلاب ایران در قم با امام خمینی و سپس با آیت الله منتظری و همچنین آیت الله ربانی ملاقات کرد.

گوش جهانیان برسانند. ما اکنون مشتاق تقویت هر چه بیشتر روابطمان با جمهوری اسلامی ایران هستیم و انشالله با حمایت برادران و خواهران کشور و ملت بزرگ ایران اطمینان داریم که پیروزی و آزادی مردم ما بازم بیشتر تضمین خواهد شد.

رنجبر نظراتن در باره کنفرانس جاری چیست؟
آقای میسوری- این کنفرانس از نظرا بسیار بسیار پراهمیت است. امیرالیستها تبلیغات دروغیست بیشماری علیه جمهوری اسلامی ایران در خارج براه انداخته‌اند، تبلیغات

مجلس

مسائلی که مانع آغاز کار مجلس شده‌اند

مجلس شورا در روز سه شنبه جلسه علنی داشت و اعتبار نامه‌های ۲۸ نماینده از شعب مختلف به تصویب رسید. از طرف دیگر پرونده‌های ۴ نماینده که در جلسات علنی گذشته کمیسیون تحقیق ارائه شده بود نیز پس از تاء پید از طرف کمیسیون تحقیق و بحث و جدلهای زیاد در جلسه علنی تصویب گردید و باین ترتیب مجلس با ۱۸۲ اعتبار نامه تصویب شده میتوان در سمیت پیدا کند.

ولی جو حاکم در مجلس آنچنان متشنج و اعتراض‌ها و بحث و جدلهای آنچنان سطحی است که کمتر به یک مجلس قانونگذاری رزمنده و منسجم که خود را برای مقابله با مشکلات موجود در جامعه و رسیدگی به مسائل مردم در جهت ادامه انقلاب آماده نماید، شباهت دارد. قسدر مسلم اینست که مجلس در حال حاضر نه تنها هنوز تبدیل به ارگانی برای تثبیت اوضاع و جلوگیری از شدت بحران موجود نشده‌است بلکه خود آتینهای آزرخ و مرجهای درون جامعه میباشد.

اما، آیا تمام نمایندگان مجلس در این دعوا و بحث و جدلهای دخالت دارند؟ مشاهدات عینی درون مجلس عکس اینرا نشان میدهند از ابتدای رسمی شدن جلسات مجلس عده زیادی از نمایندگان رامیبینی که خود را وارد این دعوا هانی کنند و حتی عده‌ای از آنها با اینکه همیشه در جلسات حاضر میشوند، با دقت فراوان و با صبر و حوصله بتماشای قضایای پرداختند. بعبارت دیگر عده زیادی از نمایندگان که اعتبار نامه اکثر آنها نیز بتصویب رسیده است با تحمل و بردباری بتماشای " جنگ غولیا " نشستند. از طرف دیگر توده‌های مردم نیز که به این مجلس امید فراوان بستند در بیرون دیوارهای مجلس همچنان نظاره‌گر اوضاع هستند.

شاید گفته شود که این مجلس هنوز تازه شروع بکار کرده و باید ابتدا صلاحیت خود و نمایندگان را به تصویب برساند و باید مانع از ورود ضد انقلاب و سواکی ها به مجلس بشود. اس. دست است، اما چگونه

دستگیری غیرقانونی خسرو قشقایی نشانگر تلاشهایی است که از همین اول کار، میخواهد حرمت مجلس را از بین ببرد و اهمیت آنرا نفی کنند. عدهای میگویند از همین ابتدا مجلس شورای ملی را که باید بیانگر اراده انقلابی مردم ومظهر نظم انقلابی باشد به یکی از مراکز متعدد قدرت موجود در مملکت، به مرکزی که خود تولید کننده بی نظمی واغتشاش است تبدیل کنند تا در پناه این هرج و مرج بتوانند، مراکز خود-کام خود را حفظ وتحکیم کنند.

اگر قرار است مجلس واقعا از اهمیت خود برخوردار باشد ونقش ووظیفه‌های را که برعهده دارد ایفا نماید باید با قاطعیت به جنگ این تلاشها رفت و آنها را از پای در آورد.

"اسنادی" که گویا دستگیری آقای خسرو قشقایی براساس آنها صورت گرفته است، باردیگر شک و تردید عمومی را در باره حقانیت شیوه "سندورکردن" علیه افراد تقویت نموده، زیرا این اسناد بمتابه یک سلاح برای بیرون کردن افراد خاصی از صحنه فعالیتهای سیاسی بکار میرود.

اسناد ومدارک باقیمانده از رژیم سابق البته وسیله مهمی برای تصفیه عناصر ضدانقلاب و وابسته از ارگان-های مملکتی میباشد. اما جمع آوری وبررسی این اسناد ونتیجه‌گیری از

جوابد بیجری داد بسیوه مدموم در چسب زنی واتهام بی پایه با استفاده از "اسناد"ی که صحت وكذب آنها در هیچ مرجع ومقامی مورد تأیید قرار نگرفته، رایج گشته است. در موارد متعددی مشاهده شده مدارکی که هیچگونه انتهای را بیه اثبات نمیرسانند توسط مراکز خودکامه قدرت بعنوان مدرک برای دستگیری، اذیت وآزار وحجت حیثیت افراد مورد سوء استفاده قرار گرفته اند.

مشخصا در مورد "اسناد" قید شده در مورد آقای قشقایی، ریاست جمهوری اعلام کردند که این مدارک هیچ اتهامی را ثابت نمیکند وحتی در یکی از آنها جمله "پشتیبانی از انقلاب"، "ضدیت بانقلاب" ترجمه شده است!

محیط شک وسوء ظن وسیوه روکردن "اسناد" موهومی که تنها در مواقع حساس به یکباره کشف میشوند و همواره چون شمشیر داموکلس بالای سر عدهای اوزیرانند، باید پایان یابد. کلیه اسناد باید در یک مرکز مطمئن جمع آوری شده وتوسط ارگانی مورد اعتماد تحت بررسی قرار گیرند. و چنانچه از عاب باصطلاح "افشاکری" های بی پایه وپرونده ساز بهیسهای مشکوک باید شکسته شود، تا سلامت سیاسی جامعه تامین گردد.

همزمانی دستگیری آقای قشقایی وشروع یک غائله در فارس به این قضیه حالتی توطئه آمیز میدهد.

سستی بهم بایصورت غیرنوبی و مرموز کاملا قابل پیش بینی بود، دست زدن به این کار را چگونه میتوان توجیه کرد؟ ادامه اغتشاش در کشور و جنگ دائمی در مناطق مختلف بسود چه کسی جز دشمنان انقلاب ما وبویژه دوا بر قدرت امپریالیستی امریکا و روسیه است؟ امروز دیگر روشن است هرکس با هر نیت ودلیل - به اغتشاش دامن زند، شرایط را برای ادامه بی نظمی ودخلت ونفوذ امپریالیسم فراهم آورده، به جمهوری اسلامی نوپای ماضیه زده وآب بسه آسیاب دشمن میریزد.

اهمال در پیدا کردن ریشههای این رویداد تا سلف انگیز و خطرناک و چشم پوشی از مجازات عاملین آن چیزی جز یازگذاشتن راه برای تکرار چنین حوادثی نیست. ماجرای دستگیری ورپودن خسرو قشقایی مساله‌ای است که ابعاد آن بر مراتب از حدود شخص خسرو قشقایی فراتر میرود. مساله‌ای است که پای مهمترین اموریسیاست جاری مملکت را به میان میکشد. کسانی که قشقایی را ربودند قصدشان نه تنها ضربه زدن به شخص ایشان بلکه ضربه زدن به انقلاب و جمهوری اسلامی بود. از این دیدگاه است که ماهیت واقعا ضد انقلابی این اقدام آشکار میشود. ملت ما اینگونه تحریکات را علیه نظم وموجودیت جمهوری اسلامی بی جواب نخواهد گذاشت.

ما همچنین با آقای بنی صدر وبیش از ایشان با آقای بازرگان وتنی چند از شخصیتهای وزارت خارجه سه دیدار کرده ایم. آنگاه بما اجازه داده شد تا دفتر خودمان را در تهران باز کنیم. هم اکنون از آن استفاده میکنیم.

اخیرا در یازدهمین کنفرانس اسلامی که در اسلام آباد برگزار شد وزیر خارجه شما آقای قطب زاده سیاست ایران را دایر بر پشتیبانی قاطع از مبارزه بحق ملت ما و همبستگی کامل با آن ابراز کرد واز کشورهای شرکت کننده در کنفرانس خواست تا فروش نفت را که به حکومت جنایتکار مارکوس قطع کنند. ایشان همچنین از نمایندگان در اسلام آباد خواستند تا صدای مبارزات بحق مردم ما را در سطح جهان، در سازمان ملل، در کشورهای غیر متعهد و در کنفرانسهای بین المللی به

در خارج برده اند. حسنه‌ها، بیعت وسیعی که توسط برخی خبرگزاریهای جهان در خط ابرقدرتها تبلیغ میشود اشاعه یافته واین کنفرانس با ارائه مدارک وشواهد جنایات شاه ایران و امپریالیسم امریکا علیه مردم ونیز جنایتهای صهیونیسم، ساواک، موساد و سیا وهمکارانشان توانسته است تاثیر زیادی علیه آن تبلیغات بجای گذارد. من مطمئن هستم که تبلیغات کاذب گذشته تا حدود زیادی پاک خواهد شد وحقانیت امر انقلاب شادان افکار بسیاری از مردم جهان بطور واقعی انعکاس خواهد یافت. در خاتمه مایلم بشما اطمینان دهم که مردم بانگ سامورو وانقلاب ما برهبری جبهه رهایی بخش ملی مورور همبستگی کامل با انقلاب شما هستند وانشالله مامتحدا خواهیم توانست بسوی پیروزی نهایی به پیش روییم.

این درست است، اما چگونه اعتراضات ومخالفت هادرجلسات علنی در مواردی آنچنان است که در انجام صادقانه این مهم نیز شک ایجاد میشود. شیوه اعتراضات و کنترل و تحقیق پروندهها در مواردی آنچنان است که مسائل شخصی بین بعضی ها بر تمام مشکلات ارجحیت پیدا می کند وحتی یک تلفن ناشناس نیز مدرکی برای بتعویق انداختن اعتبار نامه نمایندگان شده ومیتواند ساعتها وقت کمیسیون تحقیق وجلسه علنی مجلس را تلف نماید.

به نظر میرسد که هدف این دعاواها وجدلها، جذب عده زیادی از نمایندگان منفرد به سمت خاصی است. بعبارت دیگر تلاش سختی در جریان است تا از طریق این اعتراض هاوبحث وجدلها مجلس را در دست یک فراسیون ویا گروه معینی قبضه کند.

اما، واقعیات جامعه وترکیب مجلس نشان میدهد که خوشبختانه ایجاد یک اکثریت قاطع در مجلس برفع یک گروه خاص امکان پذیر نبوده ونمایندگان مجلس باید بدور از منافع تنگ نظرانه گروهی بسه سرنوشت انقلاب توجه نمایند وپسر مبنای وظائفی که مردم وجامعه در این مرحله حساس انقلاب درپیش رزی مجلس گذاشته اند عمل کنند.

بقیه از صفحه ۱
"آخرین خبر....."

آمدن خسرو قشقایی از تهران هستند این افراد بنا برقرار قبلی در فرودگاه حاضر شده بودند تا ساعت ۹ از خسرو قشقایی استقبال نمایند. با وجود تلفن های متعددی که به منزل خواهر ایشان هم چنین به دفتر ریاست جمهوری تهران اطلاع هنوز از خسرو قشقایی خبری نیست. عشا برمیگویند به احتمالی ایشان را دوباره بسه گروگان گرفته اند.

هم اکنون رئیس شهربانی شیراز و رئیس ژاندارمری شیراز و پسران آیت الله دستغیب در فرودگاه می باشند و مکالمه های متعددی هم این آقایان نموده اند که دست آخر جواب این بوده که آقای دکتر ابوالحسن بنی صدر هم منتظر مذاکره با خسرو قشقایی میباشد وبطوریکه از دفتر ایشان اطلاع میدهند قشقایی به محل نامعلومی در تهران برده شده که فقط صبح امروز تلفنی با خواهرش صحبت کرده است و گفته است من در جای امنی هستم. عشا بری که هم اکنون در

بقیه از صفحه ۱
"با ندکیا نوری از...."

فرودگاه هستند میگویند تا ما خودمان شخصا صدای خسرو را نشنوم فرودگاه را ترک نخواهیم نمود. بطوریکه از دفتر ریاست جمهوری اطلاع میدهند گویا از شیراز به آقای دکتر ابوالحسن بنی صدر تلفنی گفته شده که اگر آقای قشقایی بفارس بیاید، فارس شلوغ میشود در صورتیکه رئیس شهربانی شیراز و فرمانده ژاندارمری و پسر های آیت الله دستغیب که از هم اکنون در فرودگاه هستند معتقدند که این اطلاعیه که به دفتر ریاست جمهوری فرستاده شده کاملا بر عکس و مغرضانه است واگر آقای قشقایی به شیراز یا بطور کلی بفارس بیاید امکان هست آرامش برقرار گردد. در صورتی که هم اکنون عشا بر در سنگرهای خود در مناطق فیروزآباد وهم چنین در سر حد چهار دانگه و آسیاس مستقر هستند. و همگی منتظر آمدن قشقایی به فارس می باشند. هم چنین امروز عدهای از پاسداران مسلح در فرودگاه بودند که میخواستند درگیری بوجود بیاورند که خوشبختانه از طرف عشا بر و همچنین ژاندارمری فرودگاه این تلاش خنثی شده و پاسداران فعلا در سنگرهای خود نشسته اند.

بقیه از صفحه ۱
"نبرد مجاهدین افغانی.."

نزدیکترین حوزه نظام وظیفه معرفی کنند تا به نیروهای مسلح بپیوندند، هواپیماها و هلیکوپترهای روسی بر روی کابل دائما در حال پروازند و دهکده های اطراف کابل را بمباران کرده اند. در نبردهای اطراف کابل هزاران تن از مبارزین افغانی کشته و ۲ هزار نفر زخمی شده اند. به سربازان شوروی تلفات سنگین وارد آمده است ومجاهدین موفق شده اند یک میگ جنگنده روسی و یک هلیکوپتر را سرنگون سازند.

ادامه جنگ و زدوخورد در افغانستان و تقویت دائمی ارتش متجاوز روسیه توسط کرملین در صحنه جنگ، نشاندهنده این است که مجاهدین افغانی علیرغم تلفات سنگین ضربات شدیدی به تجاوزگران وارد کرده اند و روسیه رفته رفته در باتلاق این جنگ فرو میرود بعلاوه اینکه تمام تحولات جدید بطرز روشنی ثابت میکند که روسیه به هیچ وجه قصد خروج از افغانستان را ندارد و رزبلا نه عوام فریبی میکند.

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

کمکهای خود را
بانک ملی ایران
به حساب بانکی زیرواریز نمائید: تهران - شعبه خیابان ایرانشهر
شماره حساب ۴۵۳۶۸

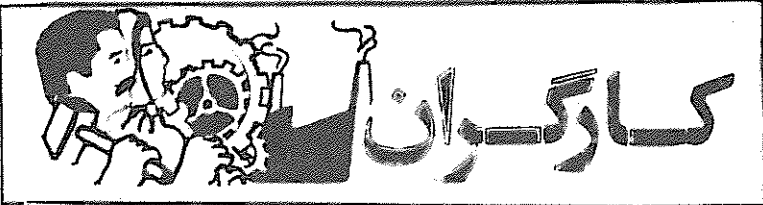
رفجبر

ارگان حزب رفجبر ان ایران
صاحب امتیاز و سردبیر: فرامرز وزیری
مدیر مسئول: علی حجت

نشانی: خیابان انقلاب جنب سینما رویال
خیابان رامسر کوچه آراسته شماره ۱۷
نشانی پستی: تهران - صندوق پستی ۳۱۴-۱۴۰۱ منطقه پستی ۱۵
تلفن ۸۲۰۶۹۱ چاپ هفت

نامه جمعی از کارکنان کاغذ پارس

دولت باید با اتکاء به زحمتکشان، به هرج و مرج موجود در کارخانه ها پایان دهد



۴۰۰ تن از زحمتکشان شرکت واحد

صاحب خانه شدند

نمایندگان بنیادمسکن، کمیته، شورای انقلاب در محل باشگاه شهرداری تهران انجام شد و طی آن خانه‌های مذکور که در اطراف تعمیرگاه شرکت واحد (میدان رسالت) قرار دارند به کمک رانندگان، راننده و تعمیرکاران این شرکت تعلق گرفت.

۴۰۰ تن از زحمتکشان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، صاحب خانه شدند. روز یکشنبه ۱۸ خرداد ماه، شرکت واحد ۴۰۰ واحد از خانه‌های ۲ و ۳ اطافی را بین درخواست کنندگان قرعه‌کشی کرد و تعداد این خانه‌ها تقریباً باندازه متقاضیان بوده است. این مراسم در حضور

بیکاری روز افزون در آمریکا

نمایند. تازمانیکه سیستم سرمایه‌داری امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی وجود دارند این مسائل هم وجود خواهند داشت. تنها با نابودی کامل و نهایی این سیستم و نابودی امپریالیسم و بخصوص دو ابرقدرت جنگ افروز و سلطه گر آمریکا و شوروی بدست کارگران است که این مسائل هم از بین خواهند رفت.

تشدید بیکاری در آمریکا بیانگر اضمحلال و نابودی حتمی سیستم سرمایه‌داری امپریالیستی در این کشور است که به مرحله گندیدگی و احتضار خود رسیده است. با اوجگیری انقلابات رهائی بخش ملی در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره و از دست رفتن منابع حیوانی آن در آسیا - آفریقا و آمریکای لاتین و از جمله در نتیجه انقلاب عظیم ملت ایران و... هر روز ضربات مهلک و مرگبار تازه‌ای بر بیکاران وارد میشود. زحمتکشان آمریکا و بخصوص طبقه کارگر این کشور، که بیش از پیش از بحرانی که دامنگیر سیستم سرمایه‌داری امپریالیستی این کشور میباشد ضرر می‌بینند و با تشدید بیکاری در این کشور با فقر و فاقه بیشتری روبرو میشوند. بهمین علت زحمتکشان و کارگران آمریکا روز بروز در سطح گسترده‌تری بمبارزه علیه

میزان بیکاری در ماهه امسال در آمریکا به ۷/۸ درصد رسید. این میزان، ۰/۸ درصد بیش از میزان بیکاری در ماه آوریل میباشد. همچنین این میزان بیکاری بالاترین رقم از زمان روی کار آمدن کارتر است. اقتصاد دانان آمریکائی پیش بینی میکنند که تا پائیز آینده این میزان به ۹ تا ۱۰ درصد یعنی بالاترین میزان بیکاری بعد از سالهای ۱۹۳۰ میرسد.

سالهای دهه ۱۹۳۰ در آمریکا سالیهای بحران اقتصادی بزرگ و معروفی است که بین سالهای ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ منجر به تعطیل چند هزار کارخانه و واحد فعالیت و بیکاری میلیونها کارگر در این کشور گردید. این بحران در همین زمان در تمام کشورهای سرمایه‌داری امپریالیستی و بازتاب آن در کشورهای نیمه مستعمره و مستعمرات این کشورها وجود داشت و بیکاری و خانه خرابی میلیونها تن از ارتش بین‌المللی کارگران جهان را بدنبال داشت.

بحرانهای اقتصادی، بیکاری، تورم، فقر... از اجزاء لاینفک و جدائی ناپذیر سیستم سرمایه‌داری جهانی است. امپریالیستها پس از هربحران و برای نجات از مرگ محتوم خود دست به

دولت، ریاست جمهوری این اوضاع را دریابند و گرنه دیر خواهد شد، البته حل مسایل کارخانه‌ها، جدا از حل مسائل زحمتکشان و کارگران این کارخانه‌ها نیست. بدون ایجاد ضوابط و نظم انقلابی در نهادهای اداری و کارخانه‌ها، موفق نخواهیم بود این گونه مشکلات را از سر راه برداریم.

ما بعنوان عده‌ای از کارکنان کارخانه کاغذ پارس، باز این هشدار را به مسئولین دولت انقلابی جمهوری اسلامی میدهیم که با اتکاء به نیروی پرتوان زحمتکشان و ما کارکنان کارخانه‌ها، مسایل را هرچه زودتر به کانال درست هدایت کنند. بهوش باشیم تنها وقت با استفاده از امکانات خود کارخانه‌ها و حل مشکلات کارکنان کارخانه، راهگشای درد کارخانه‌ها و صنایع خواهیم بود.

ما در خاتمه خواهان برگشت فوری افراد مطلق شده این واحد تولیدی به سرکارشان هستیم و از دولت می‌خواهیم به هرج و مرج حاکم در کارخانه‌ها خاتمه داده و از دخالت غیر مسئولانه نهادها و اداره‌های غیر مسئول در صنایع جلوگیری کنند.

جمعی از کارکنان کارخانه کاغذ پارس - ۵۹/۳/۱۲

ملی می‌خواهند. نه انحصار طلبی محلی راهگشای مشکلات کارخانه‌ها است و نه قدرت طلبی و قبضه کردن کارها در دست عده‌ای خاص و ایجاد باند بازی در کارخانه‌ها.

مناسفانه مسایل شبیه مشکلات کارخانه کاغذ پارس در چندین کارخانه خوزستان هم تکرار شد: مثلاً در کشت و صنعت کارون که با دستگیری ۱۱ نفر از نمایندگان شورای آنها و معلق کردن ۴۶ نفر از کارکنان، هنوز مسائلشان حل نشده. در صنایع فولاد فاسترویلر اهواز، قند دزفول و چند روز پیش هم در کشت و صنعت نیشکر هفت تپه که با اخراج ۱۴ نفر از کارکنان کارخانه تشنج ایجاد کردند و روز یکشنبه ۱۱ خرداد، در حدود ۶۰۰ نفر از کارکنان کارخانه در مسجد جامع هفت تپه تحصن کردند. بعد از ۱۰ ساعت که از تحصن می‌گذشت نماینده‌ای از فرمانداری دزفول به هفت تپه آمد و به متحظنین قول داد که ظرف ۴۸ ساعت جواب قانع کننده‌ای در مورد وضع ۱۴ نفر از همکارانشان به آنها بدهند که هنوز جواب نداده‌اند و ۱۴ نفر مذکور هم به سرکار برگشته‌اند. این باز عملی بود غیر مسئولانه و بدون منطق و غیر اصولی. همه در گیری‌ها، ناآرامیها اخراج کردن هاگوییای هرج و مرج حاکم بر صنایع ما و آذیر خطری است جدی برای اقتصاد ملی مملکت. مسئولین

تحت تاثیر جریانات مختلف، ساکت و بدون عمل نظاره گر اوضاع شده‌اند. وضع تولید خوب نیست، هرج و مرج در کارخانه مثل خوره به جان تولید افتاده و کارکنان مثل همیشه در سعی و کوشش خود برای وضع بهتر بسر می‌برند. ولی نه مدیریت وجود دارد نه مسئولی که جوابگوی خواسته‌های محققان کارکنان باشد.

از طرف دیگر مقام پرستی و دعوای جاه طلبانه بین کادر مدیریت بالا گرفته و کوشش‌هایی در جهت خواباندن کارخانه موجود است. نماینده کمیته انقلاب اسلامی محل هم برای برگزاری نماز وحدت در کارخانه دوبار تا حالا به کارخانه آمده و هر بار که بدور سخنگوی کمیته در کارخانه جمع شدیم، ۰۶ نفری بودیم. بجای حل مسایل کارخانه و خواست واقعی وحدت، همه در امر انقلاب، اختلافات مدیریت را بیشتر کرده و با یکجانبه‌گری به مسایل، دردی روی دردهای کارخانه گذاشته است.

مانمیدانیم تا کی صبر کنیم و تا کی از مقامات مسئول بخواهیم که به درد کارخانه‌ها مثل کارخانه ما برسند. اگر می‌خواهند کارخانه‌ها را بخوابانند خوب به این روش غلط خودشان ادامه بدهند تا این سنگ روی پایشان بیافتد.

باز ما می‌گوئیم صنایع ما، افراد متخصص، دلسوز، گاردان و

رنجبران سلام، سلام به تمام شهدای بخون خفته خلق قهرمان ایران و به تمامی رهروان راه آزادی و استقلال ایران.

در شرایط فعلی جامعه ماکه ایران عزیزمان مورد تهاجم و توطئه های ابرقدرت ها، رژیم منفریبعی و عوامل بیگانگان است، نباید دست روی دست گذاشت و شاهد جریانات بعنوان افراد تماشاچی و بیطرف بود. هرکدام از ما بعنوان فردی مسئول متعهد و مومن به انقلاب و برای حفظ دستاوردهای عظیم انقلاب شکوهمند مردم باید فعال و انقلابی باشیم.

صحبت از صنایع و کارخانه‌های این مملکت است، صحبت از این است که صنایع ما به کجای روند؟

همانطور که قبلاً طی نامهای مسایل هفت تپه و کارخانه کاغذ پارس را مطرح کردیم، بدنبال همان جریان و خودکامگی مدیریت و مسئولین محل، هنوز ۶ نفر از کارمندان متعهد و مبارز کارخانه در پشت دروازه‌های کارخانه به حالت تعلیق باقی مانده‌اند. نه مدیریت رک و با صداقت حرفش را میزند، نه کمیته محل صحبتی دارد و نه دادستانی جواب قانع کننده‌ای میدهد و امروز ۵۵ روز است که این ۶ نفر سر کار نیامده‌اند. در کارخانه چه می‌گذرد؟ باقی مانده شورا که چند نفری هستند

دهقانان رستم آباد - ورامین

از پائین بودن قیمت خرید محصولات کشاورزی و نبودن تسهیلات

چگونگی سرقت از باغ اویسی را روشن کنید

همانطوریکه در رنجبر شماره ۵۸ نوشتیم در باغ اویسی در انجیرآب گرگان سرقتی صورت گرفته و معلوم نیست که برسر مقدار زیادی از اموال بیت المال در این باغ چه آمده است. طبق شکایتی که اعضاء شورای "انجیرآب" و نماینده بخش کشاورزی



نامه يك دهقان

به حضرت آیت الله منتظری

درمورد قیمت خرید...

حضور محترم آیت‌الله حسینعلی منتظری بعد از سلام و آرزوی موفقیت برای جنابعالی به استحضار میرساند، اینجانب یکی از دهقانان روستاهای اطراف کرج هستم و همیشه از رادیو به سخنرانیهای شما گوش داده‌ام، و بارها شنیده‌ام که شما از کشاورز و روستایی حمایت کرده‌اید و بخصوص در نمازهای جمعه به مقامات دولتی توجه می‌دادید که به وضع روستائیان برسند. از همین بابت چند کلامی مصدع اوقات جنابعالی می‌شوم.

اخیرا گفته شد که دولت برای خرید گندم کیلویی ۱۸ ریال می‌پردازد. از این موضوع خیلی دلنگانی شدم و غنیمت دیدم که جنابعالی را در جریان بگذارم تا شما که همیشه از مستضعفین حمایت نموده‌اید و در گفتار نوروزی نیز آنرا تاکید نموده‌اید. چاره‌ای برای این کار بنمائید.

سال گذشته قیمت گندم خریداری همین ۱۸ ریال بود با حساب اینکه قیمت‌ها از پارسال تا امسال توفیر زیادی کرده و مثلا الان یک کیسه آرد را در ده ۲۷۰ تومان می‌خریم که حدودا ۳ کیلویی قیمت گندم همان ۱۸ ریال باشد و در حالیکه آرد را کیلویی ۳ تومان به همان کشاورز می‌فروشند.

بنظر این جانب کسانی که این برنامه را درست کرده‌اند قصد و منظوری داشته‌اند. استحضار دارید که کشاورزان بی‌زمین و زحمتکش زمینهای زیادی از مالکان بزرگ طاغوتی را بزیرکشت برده‌اند و حالا این مالکان بزرگ در ادارات نفوذ دارند و دست اندر کارند، با این سیاست قصد دارند که طوری کنند تا کشاورز خود بخود زمین را رها کند. خیلی هاهم که سالها پیش برای کار به شهرها میرفتند امسال در ده مانده‌اند و با امید زیاد گندم کاشته‌اند، آنها هم با این برنامه به کارشان ادامه نمی‌دهند و دلسرد میشوند. اما در عوض پول داران و زمینداران بزرگ (مستکبرین) ده به کشت و کار محصولات فرعی دیگر مثل کوجه یا صیفی جات یا گلکاری مشغولند و آنها از این موضوع هیچ ضرر نمیکند و فقط مستضعفین زیان می‌برند. و اگر این برنامه پیاده شود دیگر کسی سال دیگر گندم نمی‌کارد و موقعیکه گندم نداشتیم محتاج بیگانهایم. نمی‌دانم آنها که این برنامه را ریخته‌اند اصلا "بفکر مملکت هستند یا نه. با این برنامه

چرا باید در دستگاههای دولتی چنین چند مرکزی وجود داشته باشد که نتواند بلافاصله در مورد اموال مردم تصمیم گیری نمایند؟ هیچوقت نارضایتی و بد بینی مردم نسبت به دستگاههای دولتی بی جهت بالا نمی‌رود مگر اینکه دستگاههای دولتی خوب کار نکنند و یا متکی به مردم نباشد. و به این ترتیب چرا دادستانی با تمام توضیح و اوضاحت که خود هم از آن آگاه هست به این مسئله رسیدگی نمیکند؟

محصول را آتش بزند آنهم از جانب مقاماتی که ادعا میکنند انقلابی و اسلامی هستند.

این برنامه همه گندمکاران را ناراضی خواهد کرد و این گندمکاران هم اکثر از مستضعفین روستا هستند و این برای مملکت خطرناک است و مسلما کشاورزان طومار طومار با امضاء شکایت میکنند و شاید این خود موجب شورش و ناامنی گردد آیا بهتر نیست قبل از اینکه خدای نکرده وضعی پیش آید که موجب مشکلات برای این مملکت باشد از این وضع جلوگیری گردد.

از جنابعالی تقاضا دارم که این مسئله را به مقامات گوشزد کنید و نمائید. در ضمن دستور فرمائید که وقتی با قیمت مناسب دولت گندم را خرید برنامه‌های پیاده گردد که به روستاها با قیمت ارزانتری آرد تحویل داده شود تا جاهائیکه کمبود نان دارند و مستضعف هستند از امکان بیشتری برخوردار گردند. توفیق جنابعالی را از خداوند متعال خواهانم.

مهدی - عباسی

فروش ناراضی هستند

"رستم آباد" روستائی است در نزدیکی شهر ورامین. عمده کار مردم این روستا کشاورزی و دامداری است. در این روستا گندم، جو، خیار، گوجه‌فرنگی، طالبی، هندوانه، لعل، سبز و... کشت میشود. کشاورزان این روستا نظرات درمضيقه هستند و آب برای آبیاری صیفی های خود را از طریق موتور آب که تعدادش کم است تا می‌کنند. آنها با هم شریک میشوند و یک موتور آب خریده بطور اشتراکی از آن استفاده میکنند. مردم این روستا دامداری نیز دارند و شیر، سرشیر و... را از این راه بدست می‌آورند. در مجموع این روستائیان زحمتکش با کسب و فعالیت خود عمده اغذیه و خوراکی خود را بدست می‌آورند. در این روستا تعداد کمی از دهقانان بی زمین هستند و بطور رعیتی کار میکنند ولی غالبا زمین دارند. ده یک مالک نسبتا بزرگ هم دارد.

رستم آباد حمام ندارد. یک حمام نیمه ساخته موجود است که اهالی تقاضا دارند هر چه زودتر ساخته شود تا آنها کیلومترها راه را برای حمام طی نکنند. این روستا همچنین فاقد درمانگاه و امکانات بهداشتی است و روستائیان باید تا ورامین برای رسیدن به نزدیک ترین درمانگاه بروند. رستم آباد آب ولوله‌کنی دارد و چند ماهی هم هست که برق برایشان کشیده شده که این موجب خوشحالی و تحرکی در روستائیان گشته‌است.

کشاورزان این ده چنین بنظر میرسد که بخاطر پائین بودن قیمت خرید محصولات کشاورزی و نبودن تسهیلات فروش ناراضی هستند و حتی از شدت نارضایتی آبراز میکردند که ممکن است دیگر کشاورزی نکنند.

جاده مابین رستم آباد و ورامین خاکی است که چند مدت پیش می‌خواستند آنرا آسفالت کنند، ولی بعد آنرا نیمه کاره رها کرده‌اند و این موجب ناراحتی اهالی شده است. این روستا دبیرستان نیز ندارد و جوانان باید برای تحصیل به خارج از ده بروند.

ماضمن درخواست حمایت دولت از این کشاورزان از خرید محصولات کشاورزی و فراهم نمودن امکانات برای آنها (مخصوصا آب) خواستار رفع کمبودهای عمرانی "رستم آباد" مانند درمانگاه، دبیرستان، حمام و جاده) هستیم.

جنگ افروزی، تجاوز، تهاجم به ملت‌های دیگر و اشغال و... می‌زنند و تاوان این جنگ افروزیها را هم باید زحمتکشان این کشورها پرداخت

مبارزه با...

بقیه صفحه ۴ ترجمه داستانهای کودکان و تعداد بسیار اندکی از نوشته‌های کودکان نویسندگان ایرانی روبرو می‌شویم، شعری که پشتوانه غول آسایی را با خود دارد هنوز گیج و سرگردان است در حالیکه در زمان طاغوت "شعر حجم" "شعردریا" "غزلوارها" در شعری بیداد میکردند و شاعران آفاق "فرم‌گرایی" را در می‌نوردیدند. نمایشنامه‌های تاتری ما که هنوز از بیداد ساوکی‌ها می‌نالند و از شکنجه‌ها و حسرتها می‌گویند وای کاش یکی از آثار آندوره "ساعدی" را که اکنون برای ما فقیر جلوه می‌کند را می‌آفریدند.

سخن بسیار است: فرهنگ معنوی شاخه‌های بسیاری دارد که در اعماق زندگی توده‌ها و در دور افتاده‌ترین زوایای روابط اجتماعی ریشه دوانده‌است و زمان بسیار زیادی می‌خواهد که دگرگون شود و از نو شکل بگیرد و آفریده شود. اما، طلیعه، نظم نوین فرهنگی خود را همیشه پس از هر انقلابی بازبودن گردو خاک کهنه و سیاه گذشته به نمایش می‌گذارد فرهنگ ما هنوز به این گردو خاک کهنه و سیاه فرهنگ وابسته سرانگشتی هم نزده است. سمفونی‌های پتهوون نخست معیارهای کهنه را دگرگون کردند تا معیارهای جدید را که پس از آن بصورت انقلابی در هنر موسیقی درآمد آفریدند.

وحشت آنجاست که ما آیا زمانی که با فرهنگ و هنر وابسته غرب خو کرده‌ایم و هنوز برایش چاره‌ای نیاندیشیده‌ایم... هنر روزیونیستی را که دارد وارد میشود شناخته‌ایم که ناگهان بدام آن نیافتیم؟ هنوز نقش گندیده هنر وابسته به غرب را از فرهنگ خود پس نزده‌ایم نفس روزیونیستی که از نسیم سرد و قطبی شرق می‌آید و از دگرگون ساختن و نابود ساختن هنر "مایاکوفسکی‌ها" و "گورکی‌ها" بوجود آمده‌است ما را از پای نخواهد انداخت؟ زیرا این هنر میلیون بسیار با حرارت خود را در هر زمینه‌ای نیز دارد. اکنون آمیزش عجیبی از آنرا در سینما می‌بینیم که در کنار سینمای منحن غربی سینمای روزیونیستی نیز جان گرفته است. هشدار سپاه پاسداران نه

دولت آمریکا رو می‌آورد و گسترش اعتصابات کارگران آمریکا نشانه همین موضوع است.

تنها موهمی بر زخم فرهنگی ما نیست بلکه نیشتری نیز بر این زخم چرکین می‌زند و آنرا درد آلودتر میسازد زمانیکه مانده تنها برنامه‌های رشد هنر و فرهنگ اصیل ایرانی اندازیم بلکه آنرا به تاریکخانه و سکوت فرستاده‌ایم پس هنر و فرهنگ وابسته به غرب که در عصر طاغوت نیز بر این هنر اصیل می‌تاخت اما بخاطر پشتوانه و ریشه بسیار عمیق هنر اصیل نتوانست آنرا دچار نقصان سازد می‌ماند جان می‌گیرد و رشد میکند و بهتر است بگوئیم کسانی آنرا نکمیدارند جان ورشد میدهند. کافست آخر شنها به خانه‌ها سری بزنید تا ببینید در آبادان آیا تلویزیون ماست که مردم را مشغول میکند یا تلویزیون بصره و کویت. یا روزها ساعت (۱) و نیم صبح تا ساعت ۲ بعد از ظهر به دم در مغازه یا دکان سری بزنیم یادگر کوچها از هوای پنجره‌هایی که برای شکستن کوی گرم باز هستند بگذریم تا آوای موسیقی خوانندگان طاغوتی را که از رادیو کویت بخش میشود در همه جا بشنویم، چرا به این موسیقی گوش میدهند مگر همین مردم دست رد به نظام طاغوت نزدند، مگر همین کاسب کارها، همین جوانها نبودند که در خیابانها پشت طاغوت را خم کردند، پس چرا بیچ رادیوها را به طرف رادیو کویت جرخانده‌اند؟ به این سوال باید آنها تیکه در اندیشه انقلاب فرهنگی هستند پاسخ دهند! من شاید پاسخ آنرا برای خودم داشته باشم و در لابلای نامه‌ام بصورتی ناچیز آنرا گفته باشم.

اما باید گفت: برای دگرگونی فرهنگی نباید توده‌ها را از بالا با فرمانهای اداری مورد تحکم و دستور قرار داد و عده‌ای از آنها را ناآگاهانه بجان عده‌ای دیگر انداخت و برای جست باید آنها را روی هدفهای درست و واقعی بسیج کرد تا زیر بنا را که پایه فرهنگ است دگرگون سازند با دگرگونی زیر بنا در خدمت نیازها و خواسته‌های مردم فرهنگ که چیزی جز روینای یک زیربنای تازه نیست بدست همین توده‌ها و با بکارگیری استعدادها و نیروهای خلاق آنها که سازندگان فرهنگ هستند بوجود خواهد آمد.

"م - ک آبادان" ۵۹/۳/۱۲

پای کوتا: تصویری از زندگی زحمتکشان محروم

در شیراز

خطر ریزش خانه‌ها، فلج و روماتیسم، نداشتن بهداشت، گرانی و کمبود مایحتاج اولیه زندگی بیکاری و ... مشکل دائمی زحمتکشان این محله است

خطر ریزش خانه‌ها، فلج و روماتیسم، نداشتن بهداشت، گرانی و کمبود مایحتاج اولیه زندگی، بیکاری و ... مشکل دائمی زحمتکشان این محله است

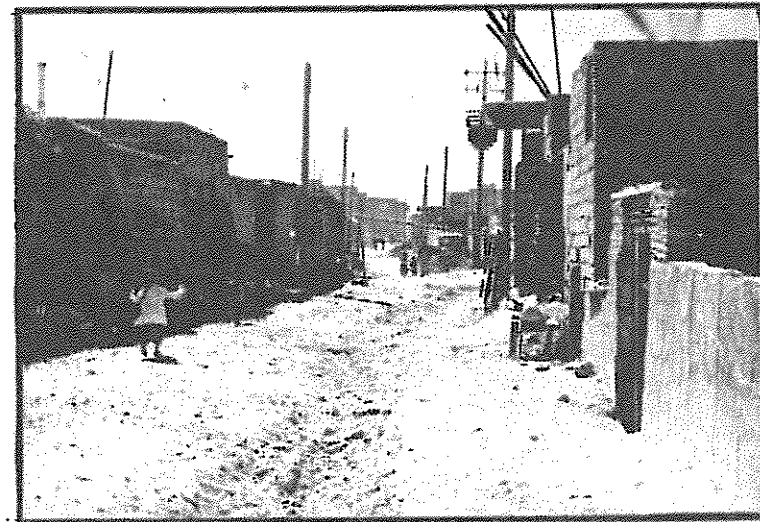
"پای کوتا" منطقه‌ایست واقع در جنوب شهر شیراز در جاده فرودگاه و محله‌ای است که به طور عمده زحمتکشان در آن سکنی دارند. در این محله ۴۶ هزار و دویست و سی نفر در ۶۵۰۰ خانه مسکونی (در هر خانه به طور متوسط دو خانواده) زندگی می‌کنند.

چندی قبل همراه یکی از زحمتکشان این محله به آنجا رفتیم. در این محله جاده آسفالتی وجود ندارد و زباله سراسر محله را در بر گرفته است. بچه‌های این منطقه جایی برای بازی کردن مگر در میان زباله‌ها ندارند. در این منطقه مسکونی با این

آقای حکمت یکی دیگر از اهالی محل وضع را چنین تشریح می‌کرد: "منزل ما مثل یک جزیره شده دو طرف آن را خانه‌هایی که در آب فرورفته‌اند محاصره کرده است. پشه‌ها در این آب‌ها خانه کرده‌اند و شبها نمی‌گذارند که بخوابیم."

در خانه دیگری که متعلق به ۳ خانوار می‌باشد یکی از ساکنین بنام آقای "الیاس فخر پور" می‌گفت: "توی آب زندگی می‌کنیم. شاید همین امشب به رمبدم. می‌خواهم که یکی از آقایان مهندسين بيادین جابجاوبد. اگر بشه گذاشت که بخوابد ما دروغ می‌گوئیم."

این وضع در واقع برای بسیاری از ساکنین محل ایجاد مشکل جدی نموده است و در بسیاری از منازل دیگر نیز همین گفته‌های بالا را شنیدیم.



دار و ندار خودمان را خرج تعمیر این خانه‌ها کرده‌ایم

زحمتکشان این محله با فروختن هست و نیست خود این خانه‌ها را ساخته‌اند و هر ساله نیز باید بخاطر جلوگیری از خرابی منازل برای تعمیر

و دامداری بپردازند. بنابراین مجربان و مقامات دولتی باید که به خواست آن عده از اهالی که خواهان رجعت به روستا و برداختن به کار کشاورزی و دامداری می‌باشند هر چه زودتر پرداخته و امکانات آن را ایجاد نماید.

۴- بالاخره مشکل بیکاری، نداشتن کار ثابت، حل مشکل گرانی و مسائل دیگر که هیئت حاکمه باید با اتخاذ سیاستهای صحیح، پایان دادن به هرج و مرج، راه انداختن جرخ‌های اقتصادی و رشد تولید ملی و سعی در حل مشکلات زحمتکشان، بایده حل ریشه‌ای این مسائل بپردازد.

به طور کلی عدم توجه کافی مقامات دولتی به این منطقه و کمبود اساسی دولت در مسئله عدالت اجتماعی و رسیدن به وضع زحمتکشان کاملاً مشهود است.

آقای "رستمی" یکی از نماینده های شورای محل می‌گفت: "از ۶ ماه پیش با مشاور استانداری در تماس بوده‌ام. در این جا حدوداً ۱۰۰۰ خانوار علاقمندند در صورتی که زمین و سایر امکانات در اختیارشان قرار گیرد به روستا بروند و به کار کشاورزی بپردازند". آقای "منصور ابیوردی" خواهان وام و زمین بود و اظهار می‌کرد که اگر به او امکانات لازم را بدهند همین فردا به روستا می‌رود تا مملکت بتواند خود کفا باشد و به استقلال برسد. آقای باقری یکی دیگر از اهالی می‌گفت: "۱۷-۱۶ سال است که در شهرداری کار می‌کنم، دامداری داشتم ولی حالا گرفتارم و همه این مشکلات ناشی از بی‌زمینی و کار تولیدی نکردن است. الان فصل کار است به ما هر چه زودتر کمک کنید تا شروع به کار کنیم."

با آن روبرو هستند گرانی و کمبود و عدم بخش مناسب مایحتاج اولیه زندگی مانند روغن، پودر رختشویی و از این قبیل می‌باشد. در منزلی که آقای سلیمانی و دو خانوار دیگر زندگی می‌کنند به ما چنین می‌گفتند: "روغن کم گیر می‌آید. برنج، تخم مرغ، مرغ زنده، گوشت، تاید و بالاخره همه چیز گران است. با این بیکاری و درآمد کم چگونه زندگی را سر کنیم؟ نه آذوقه گیر می‌آید، نه خانه درستی

داریم که در آن بنشینیم. مگر ما امریکایی هستیم؟ چرا به وضع ما رسیدگی نمی‌کنند؟"

آقای "دودجی" یکی دیگر از ساکنین محل می‌گفت: "ده نفر نان خور دارم و کارگر شهرداری هستم. بابت خانه مقروضم، گرانی هم یک طرف. عیالوار هستیم و خرج خودمان را در نمی‌آوریم. اگر واقعی خواهد بود کمک کنید بیایند به این مستضعفین پای کوتا کمک کنند. آقا این جا حتی رفتگر هم نمی‌آید آشغال ببرد."

در منزل آقای "علی ناز ظفر-آبادی" همسرش به ما گفت: "شوهرم شاگرد است و در میدان روزی ۵۰ تومان حقوق می‌گیرد، آقا به ما رسیدگی نمی‌کنند. ۲۰ روز است که گوشت به بچه‌هایم ندادم. زندگی و آذوقه گران است. دو پسر و دو دختر دارم. با فروش طلاهای خودم، تلویزیون و موتور سیکلت شوهرم پولی تهیه کردیم و این خانه را ساختیم. حالا شما بگوئید با این خانه خراب و با روزی ۵۰ تومان و چند سر عائله چه کنیم؟ سو بر -



مشکلات مردم محله و راه حل‌ها

اهالی محل درد دل‌های بسیاری

دستگاه اداری و بوروکراسی پیوسیده که از رژیم گذشته به ارث رسیده و هنوز دچار تغییرات عمیقی نگشته است در بسیاری از موارد به خواست زحمتکشان پاسخ مثبت نمی‌دهند. مسئولین

توان مشکل آب گرفتگی خانه‌ها را حل کرد .

زباله ، فاضلاب و کوچه‌ها ...

وقتی که وارد محل می‌شوی اولین چیزی که توجه را به خود جلب می‌کند بوی چندش آور و پر تعفن زباله می‌باشد . اکثر کوچه‌ها پر از لجن فاضلاب است و به طور پراکنده چند جوی برای جا بجایی آب لجن وجود دارد .

خانه‌های محله در خطر ریزش

به دلیل پائین بودن سطح خانه ها به هنگام باران آب زیادی در اطراف خانه‌ها جمع می‌شود . در این محل خانه‌هایی هست که تا کمر آب بالا آمده و آن قدر راکد مانده که رنگ آن سبز شده است و امکان رشد انواع و اقسام حشرات مخصوص " پشه کوره " شده است . بر اثر این آب راکد دیوار خانه های مجاور نمناک شده و باعث ترک برداشتن دیوارها و نشست کف اتاق‌ها می‌گردد .

به منازل تعدادی از ساکنین محل رفتیم . آنها مسائل و مشکلات خود را با ما در میان گذاشتند .

آقای هدایت سلیمانی یکی از ساکنان محل می‌گفت : " تمام اتاق‌ها نور است و احتمال ریزش دارد . حتی یکی از اتاق‌ها کف اش ریزش کرده است . علاوه بر این آبی که خانوار در میان گرفته پر از انواع و اقسام حشرات است " .

چون چیزی از خرابی منازل برای تعمیر آن ماه بگذرانند . هم اکنون در این محل خانه‌هایی هست که پشت بام آن با زمین هم کف شده است . این مسئله موجب شده است که بسیاری از زحمت کشان زیر بار قرض بروند .

آقای حکمت می‌گفت " این خانه را ابتدا به ۸۵ هزار تومان خریدم . امسال بعد از آن که آب خانه را گرفت باز مبلغ زیادی خرج آن کردم . ۴۵ هزار تومان نیز برای این خانه بدهکارم . حالا شما بگوئید با ۶ سرعاعله حدودا ۲۰ نفر نان خور و مشکل بیگاری ما چگونه می‌توانیم بدهی خود را بپردازیم " .

همسر آقای " احمد قاسمی " یکی دیگر از ساکنین محل می‌گفت : " امسال حدود ۴۰ هزار تومان خرج کردیم و این خانه را درست کردیم ولی آشیز خانه آن رمبیده است . باور کنید تمام پول های خود را خرج کرده‌ایم ، طلای خود را فروختم ، حتی چادر خودم را نیز فروختم . حالا با ۱۰ هزار تومان بدهی داریم . حالا با ماهی ۱۸۰۰ تومان در آمد که شوهرم با کار در مسافر خانه درمی‌آورد چگونه می‌توانیم این وضع را تحمل کنیم ؟ "

بجای زمین به ما وام بدهند تا همین خانه‌هایمان را تعمیر کنیم

اخیرا دولت به اهالی محل

فلج و روماتیسم فرزندان زحمتکشان این محله را تهدید می‌کند

آب گرفتگی و نم برداشتن منازل موجب امراض بسیاری منجمله روماتیسم گشته است . بروز این نوع امراض و نداشتن وسائل بهداشتی مشکل دیگر مردم این محل می‌باشد .

آقای " فخر پور " و آقای " قیصری " از ساکنان این محل می‌گویند : " بچه فلج و مریض داریم و هر روز باید برویم بیمارستان حافظ " . در برخی از منازل ، با فرزندان این زحمتکشان که دچار روماتیسم و فلج شده بودند روبرو گشتیم . آنها ادامه دادند : " ۴ ماه قبل به اداره بهداشت گزارش کردیم که یک اکیپ پزشکی به این جا بفرستند . این اکیپ آمد ولی چون جایی برای اقامت نداشت این جا را ترک کرد . استدعا می‌کنیم که جهاد سازندگی یا هر مرجع دیگر درمانگاهی در این محل بسازد زیرا برای اهالی محل مقدور نیست که برای معالجه به شهر بروند " .

گرانی و کمبود مایحتاج اولیه زندگی

مشکل دیگری که مردم این محل

و چند سرعاعله چه تنیم ... دارند سیر خدا بکنید - یک نگاه هم به ما بکنید " .

یکی از مغازه داران محل بعد از ذکر مشکلات در سر راه توزیع روغن و بودر رختشویی گفت : " به طور کلی این محل ، محله فقیر نشین‌ها ، کارگران و زحمتکشان و کم درآمدها می‌باشد و کسی هم نیست که مشکلات را به گوش مقامات مسئول برساند . اهالی این جا از کلیه امکانات رفاهی محرومند . گرانی هم بیداد می‌کند . ما از مقامات مسئول و ذیصلاح می‌خواهیم چنانچه مرجعی برای رسیدگی به مستضعفان وجود دارد اولویت به این مردم (یعنی اهالی پای کوتا) باشد . تاکنون وعده و وعیده‌های بسیاری داده شده ولی بدبختانه تا خود ما پی گیری نتوانیم اثری نمی‌بخشد " .

زمین وامکانات کشاورزی در اختیار ما بگذارید تا به روستا برویم

یکی دیگر از مشکلات گریه اهالی این منطقه مسئله کار می‌باشد . عده زیادی یا بیکارند یا کار ثابت ندارند . اکثریت اهالی خواهان شغل ثابتی هستند که از بیمه بر خوردار باشند و حداقل دستمزد برای گذراندن زندگی دریافت کنند . بعضی از اهالی حتی خواستار رجعت به روستا هستند .

داشته اند . در بالا سعی کردیم تنها بعضی از مشکلات آنان را بازگو کنیم ، برداشت ما از محیط و خواسته‌های این مردم زحمتکش و رنج کشیده به شرح زیر است :

۱ - مبرم ترین خواست مردم این محل حل مسئله مسکن می‌باشد . ۱۴ ماه از انقلاب گذشته است ولسی هنوز قدم بزرگی در این زمینه برداشته نشده است . جهاد سازندگی به تعمیر بعضی از منازل پرداخته است ولی تعداد خانه‌های قابل تعمیر آنقدر زیاد و امکانات و سرعت کار جهاد چنان کم است که به هیچ وجه جوابگوی مسئله مردم نمی‌باشد . ما از مقامات دولتی مصرا می‌خواهیم که هر دو پیشنهاد مردم را (که در بالا آمده است) مورد بررسی قرار دهند و با مشورت خود مردم بهترین راه حل را در اسرع وقت به مرحله عمل گذارند .

۲ - حل مسئله بهداشتی - دادن تلفن عمومی ، اسفالت کردن جاده‌ها ، جمع کردن زباله ، مبارزه با حشرات و بهتر نمودن مسئله آبرسانی و سایر خدمات مانند توزیع عادلانه و کافی و به موقع روغن ، بودر رختشویی و دیگر احتیاجات ضروری را دولت باید در اسرع وقت در دستور کار قرار دهد .

۳ - دولت تا کنون بارها اعلام کرده که حاضر است امکانات در اختیار زحمتکشان قرار دهد تا به کار کشاورزی

دولتی باید این نکته را به طور جدی در نظر داشته باشند که عدم توجه به اصل عدالت اجتماعی و عدم توجه کافی و فوری به احتیاجات مبرم مردم موجب بد بین شدن ، دل سرد شدن و سلب اعتماد مردم نسبت به دولت خواهد شد و نتیجتا مانعی در مقابل مبارزه بزرگ مردم میهن ما ، در جهت کسب استقلال

از ابر قدرتهای شرق و غرب بوجود خواهد آمد آورد . عدالت اجتماعی اساس تکامل انقلاب و کسب استقلال می باشد . رسیدگی هر چه سریعتر به زندگی زحمتکشان ساکن " پای کوتا " که شه کوتاهی از نابسامانیهای میهنی و محیط زیست آنان را در بالا خواندید ، باید هر چه زودتر و بدور از کاغذبازی های اداری در دستور کار مسئولین شهر شراز قرار گیرد . وعده و وعیده‌های توخالی و عدم اجرای خواسته‌های زحمتکشان جان آنان را به لب رسانده و هر دم بیش از پیش از مسئولین دولتی فاصله میگیرند و اعتماد خود را از دست میدهند .

از سوی دیگر زحمتکشان و از جمله مردم مستضعف محله پای کوتا باید به درستی و عمیقا این مسئله را درک کنند که تا زمانی که مشکل نشوند ، و در جهت کسب حقوق خود به مبارزه اصولی دست نزنند نخواهند توانست به کسب حقوق اولیه خود دست یابند .

مبارزه با فرهنگ و هنر طاغوتی را چگونه باید به پیش برد ؟

چرا در زمینه انقلاب فرهنگی که با جار و جنجال اعلام شد صحبتی از هنر و ادبیات نمی‌آید .

و خلاق آن . پس چرا در زمینه انقلاب فرهنگی که با جار و جنجال اعلام شد و در بعضی از شهرستانهای ایران هم بخون رنگین گشت از آن صحبتی نمی‌آید ؟

و اصولا " هنر و ادبیات در این یکسال اخیر چه وضعیتی دارد ؟ چقدر از ساعات فراغت مردم با هنر جدید انقلابی که باید در رادیو و تلویزیون و دیگر مراکز هنری خلق شود پر می‌گردد ؟ آندوهناک است که بگوئیم هیچ ؟ سرودهای انقلابی مارا

گسترش " برای کار مراجعه نمایند . اعلامیه سپاه پاسداران محقانه به هنر طاغوتی و وابسته تاخته است فقط همین ، اما نشان نداده است که چگونه باید آنرا نابود ساخت و چه چیزی را باید بجای آن جایگزین کرد ؟

آیا میتوان یک هنر منحظر را که سالها بضر زور و خفقان و با ایجاد هزاران مرکز اشاعه در زندگی و فرهنگ مردم وارد کرده‌اند برداشت اما بجای آن چیز دیگری نگذاشت ؟ و اصولا " سوال اساسی تر اینست که آیا هنر و ادبیات از چه مقوله‌هایی هستند ، جزاینست که یکی از مقوله‌های فرهنگ‌اند و حتی میتوان گفت که یکی از مقوله‌های بسیار مهم

این روزها در هر شهر ایران اگر در پیاده روی خیابانها قدم بزنیم همه جا آوای خوانندگان منحن طاغوتی را میشنویم و چندین متر به چندین متر جوانانی را می‌بینیم که از طرق فروش این نوارها امرار معاش میکنند . بارها از خودم سؤال کردم : این نوارها از کجا می‌آیند در کجا تکثیر میشوند ؟ بارها می‌خواستم چند کلمه‌ای در این مورد بنویسم اما بهانه‌های نداشتن تا اینکه اعلامیه‌ای از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آبادان بدستم رسید که در آن به این نوار فروشها " هشدار " داده است که امرار معاش از طریق این نوارها را متوقف سازند و پیشنهاد کرده‌است که به " مرکز

درد کجاست ؟ موسیقی که ریشه در فرهنگ کهن ما دارد و با خون و اشک ما با سرود ها و رزم ما در طی سالیان دراز سلطه بیگانگان در آمیخته است آیا در فواصل برنامه‌های رادیو و تلویزیون ما همان سراندها و دیورتی منتوها و والسهای موسیقی دانان غربی را که متعلق به دوران رشد هنر بورژوازی متری غرب هستند نمی‌شنویم آیا موسیقی حماسی آدمهایی چون "علینقی و زبیری و " عارف قزوینی " که در آن حماسه‌های انقلاب مشروطیت با صلابت موسیقی ایرانی در آمیخته نباید اکنون که هنر از قیدوبند همه بستی ها آزاد شده است بار دیگر طنین انداز گردد ؟

قدم به پهنه ادبیات که میگذاریم ، داستان شعر و نمایشنامه از نویسندگان استقلال طلب و انقلابی کمتر اثری می‌یابیم و بیشتر با نویسندگان فرم گرا که تغییر چهره داده‌اند و از همه بدتر با نویسندگان و هنرمندانی که دل به هنر روزیونیستی باخته‌اند روبرو میشویم .

نویسندگان داستانیهای کودکان ما که باید سنت عزیز و گرانبه " صد " را که در زمانی آنجانی برای کودکان از حماسه و رزم نوشت و جان داد ، در فضای آزادی خلاقیت دنبال کنند گوئی خلاقیت خود را باخته‌اند و ما با انبوهی از بقیه در صفحه ۳

افغانستان شرق آسیا

مخفی که تحت نظارت سازمان ملل انجام پذیرد به کاندیداهای جبهه دمکراتیک و میهنی بعنوان نمایندگان راستین خود رای خواهند داد.

آمار زیر درصد طرفداری ساکنین مناطق مختلف کامپوچیا را از دولت خود نشان میدهد. لازم به تذکر است که منطقه شرقی اساساً تحت کنترل نیروهای ویتنام میباشد و ارتش ملی خلق کامپوچیا در این منطقه فعالیت وسیع ندارد.

منطقه شمال شرقی	۹۴%
منطقه مرکزی	۸۳%
منطقه شمالی	۸۷%
منطقه شمال غربی	۸۰%
منطقه غربی	۸۸%
منطقه جنوب غربی	۸۹%
منطقه شرقی	۶۰%

بیانیه ادامه میدهد خلق کامپوچیا اساساً "باین علت از دولت خود پشتیبانی مینماید و نمایندگان خود را از کاندیداهای این دولت میداند که آنها را میهن پرستانی استوار میداند که در کلیه شرایط سخت علیه ویتنامی‌های تجاوزکار، توسعه طلب بخاطر نجات و سربلندی ملت و خلق خود مبارزه کرده‌اند. بیانیه اضافه میکند که خلق کامپوچیا دارای آگاهی عمیق سیاسی

یکسال و نیم از تجاوز وحشیانه ارتش ویتنام بخاک کامپوچ میگذرد. سلطه طلبان منطقه‌ای دارودسته لهدوان با کمک مستشاران روسی و کوبائی، با زرادخانه امپریالیسم شوروی این سرزمین را بزیر سلطه خود کشانده، دولت قانونی آن را سرنگون ساختند و بغارت ددمشانه مردم کامپوچ پرداختند. ولی همانند افغانستان، اراده استوار و روحیه عمیق میهن پرستانه خلق کامپوچ پیشروی آنان را سد نمود و هم اکنون کامپوچیا با تعلق سربازان مزدور ویتنام شده است. پس از شکست تهاجم بزرگ ارتش ویتنام در فصل خشک، چند ماه گذشته، دولت کامپوچ بیانیه‌های صادر نمود و وضعیت جدید را در صحتهای سیاسی و نظامی مورد ارزیابی قرار داد. این بیانیه که در تاریخ دهم اردیبهشت ۱۳۵۹ منتشر شد در آغاز پیروزیهای اخیر خلق کامپوچ را بررسی کرده و علل این پیروزیها را چنین توصیف مینماید:

۱- میهن پرستی والای ارتش، واحدهای چریکی و خلق کامپوچ و هم چنین تلفیق مشخص تاکتیهای جنگ چریکی در جبهه‌های نبرد.

۲- اتحاد بزرگ کلیه قشرهای اجتماعی خلق کامپوچیا که در کنار

توسط ارتش چریکی و ملی کامپوچیا در دوماه اول بهار

تلفات و ضایعات ارتش ویتنام

کشته وزخمی	۳۱۷۹۸	انبار اسلحه منهدم شده	۸
زندانی و تسلیم شده	۶۲	خودرو منهدم شده	۷۱
روسی و کوبائی کشته شده	۳	تانک منهدم شده	۶
فرمانده لشکر کشته شده	۲	توب ۵۵ میلیتری منهدم شده	۶
فرمانده گروهان و گردان کشته شده	۷۲	کامیون نظامی منهدم شده	۳۸
مقر فرماندهی منهدم شده	۱۱	قایق جنگی منهدم شده	۲
پست دیدبانی منهدم شده	۳۶	اردوگاه منهدم شده	۱۱

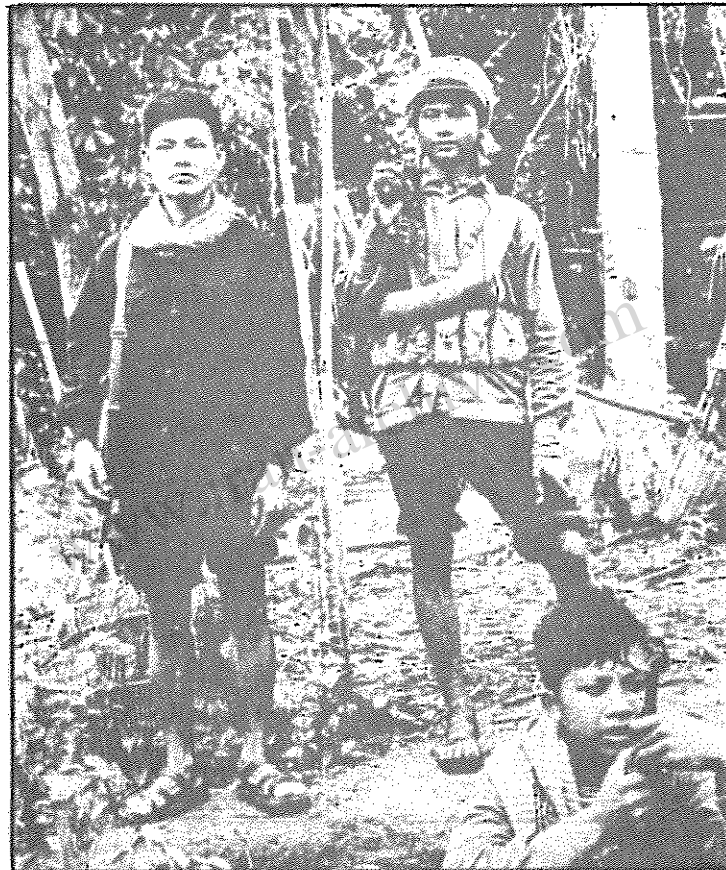
و روحیه میهن پرستانه میباشد. تاریخ خلق کامپوچیا، از تجارب مبارزه علیه تجاوزگران خارجی و دنباله روانشان غنی است. آنان دقیقاً میتوانند دوستان خود را از دشمنان خود، و دوستان واقعی را از دوستان کاذب و میهن پرستان را از خائنین تشخیص دهند. دارودسته لهدوان از این امر و از این خصوصیات خلق کامپوچ بخوبی آگاه است. دارودسته لهدوان از روحیه میهن پرستانه خلق کامپوچ بیش از هر چیز

"دولت کامپوچیا دمکراتیک" و "جبهه دمکراتیک و میهنی اتحاد بزرگ ملی کامپوچیا" قاطعانه و قهرمانانه ایستادند و باشیوه‌های گوناگون علیه دارودسته لهدوان مبارزه نمودند.

۳- احساس مسئولیت عمیق کلیه بخش‌های دولتی و سازمانهای امور خدماتی در بانجام رساندن وظایفشان و فداکاری قلبی و مصرانه آنان در جبهه‌های جنگ و در پیوند با مردم.

رویدادهای جهان

شکست تهاجم بهاره مزدوران ویتنامی در کامپوچیا



سربازان ارتش چریکی و ملی کامپوچیا در جنگلهای تحت کنترل دولت کامپوچیا

جبهه بین المللی

خیوسامفان با توافق اینگ ساری معاون نخست وزیر جهت شرکت در مراسم تدفین مارشال تیتو روز هفدهم اردیبهشت ماه وارد بلگراد شدند و از طرف شورای ریاست جمهوری یوگسلاوی مورد استقبال قرار گرفتند. آقای استامبولیک بنمایندگی از شورای ریاست جمهوری یوگسلاوی از اینکه خیوسامفان و سایر مقامات دولتی کامپوچیا سختی‌های عبور از جبهه را پشت سر گذاشته تا شخصاً در مراسم تدفین مارشال تیتو شرکت کنند اظهار قدردانی نمود و اضافه نمود که پس از مرگ تیتو، یوگسلاوی همان راه تیتو را ادامه خواهد داد و دفاع خود را از مبارزات بحق خلق کامپوچیا و دفاع از اصول غیر متعهدانه ادامه خواهد داد.

روز ۱۷ اردیبهشت ملاقاتی بین خیوسامفان و معاون رئیس جمهور اندونزی آدام ملیک در بلگراد انجام گرفت که طی آن ملیک پشتیبانی دولت و ملت خود را از خلق کامپوچ اعلام نمود و خروج ارتش ویتنام از کامپوچ

رویدادهای اقتصادی

۲۰ هزار تراکتور وارد روستاهای کشور میشود

بنگاه توسعه ماشین آلات کشاورزی، بدنبال خرید و توزیع ۳ هزار دستگاه تراکتور، قرار است تا مرداد ماه تعداد ۲۰ هزار دستگاه دیگر خریداری نموده و در اختیار کشاورزان قرار دهد. اگر این بنگاه موفق به انجام این کار بشود، انتظار میرود بخش مهمی از نیازهای کشاورزان به تراکتور، در تابستان و پائیز آینده رفع شود.

کارخانه تراکتور سازی تبریز هم اکنون قادر نیست بیش از ۳۰ تا ۴۰ تراکتور در روز تولید کند، در حالیکه ظرفیتش بیش از ۲/۵ برابر میزان تولید فعلی است. کمبود تراکتور در کشور باعث شده بود که متقاضیان تا سه سال برای خرید تراکتور از کارخانه تبریز در انتظار بمانند.

پس از پیروزی انقلاب و شکسته شدن بسیاری از قید و بندهای سرمایه داری وابسته در زمینه تولید کشاورزی جامعه ما شاهد رشد شگرف نیروهای مولده در این بخش بود. برای گسترش تولیدات کشاورزی و دگرگونی اقتصاد روستایی، مسئله تکنولوژی کشاورزی و تامین امکانات فنی مناسب برای تولید، در کنار مسایل دیگری از قبیل زمین، کود، و ام، آب و راه اهمیت زیادی دارد. اقدام اخیر دولت در زمینه تامین نیازمندی های فنی کشاورزان مثبت است، اما اگر همراه با یک رشته عوامل و اقدامات دیگر نباشد، منافع آن صرفاً متوجه سرمایه‌داری بوروکرات میشود. بدینسان که اگر در مقابل وارد کردن این ماشین آلات امکانات خرید برای روستائیان و کشاورزان فراهم نشود و اگر به مسایل دیگری که بازدهی تولید را افزایش میدهد مانند بذر کافی، آب، کود و وام و غیره توجه نشود، تراکتورها اگر هم وارد روستا شود بصورت یک وسیله تجمع در میدان‌گاهی ده در خواهد آمد. هم اکنون روستائیان ما توان مالی حتی برای رساندن محصول خود به مراکز خرید ندارند، هم اکنون بیش از ۷۰ درصد از ساکنین روستاهای کشور را دهقانان بی زمین تشکیل میدهند و ... اگر مسئله رشد و توسعه کشاورزی بخواهد در خدمت شکوفایی اقتصاد ملی درآید یعنی در اساس منافع زحمتکش را تامین کند، باید قاطعانه راه حل‌های بوروکراتیک و اداری را کنار گذاشت و به شور و شوق توده های عظیم دهقانان برای ادامه انقلاب و شکوفایی تولید ملی متکی شد.

اگر از قشر کوچک سرمایه داران کشاورزی بگذریم، اکثریت عظیم دهقانان ما فقط میتوانند در تشکیلات تعاونی مالک وسایل تولید پیشرفته شوند. بهمین دلیل بدنبال حل مسئله اساسی روستاها، یعنی زمین، باید مالکیت تعاونی را حداقل در زمینه تکنولوژی کشاورزی گسترش داد و از این راه حداکثر بهره برداری را از این خرید های کلان دولتی کرد. بطور کلی مسایل روستا در کلیت خود قابل حل است و اقدامات پراکنده و متکی به چاره اندیشی های کارمندان عالیرتبه نمیتواند کاری از پیش ببرد چنانکه تاکنون نیز نشان داده است.

از سوی دیگر این اقدام دولت از این بابت قابل توجه و پشتیبانی است که ثروت ملت را خرج خرید کالاهای اساسی و سرمایه‌های کرده است نه کالاهای غیر ضروری و مصرفی. تراکتور اگر درست و بجا بکار آید میتواند در جان دادن به اقتصاد روستایی نقش بازی کند، یک وسیله تولیدی در خدمت رشد اقتصاد

پیش بینی های قبلی اقدام به خرید وسایل تولیدی و تکنولوژی مورد نیاز اقتصاد ملی کشور بنماید. مثلا سال گذشته یکی از مهمترین مسایل تولید کت و کتاف، کمبود بذر بود که اثر زیادی بر کاهش بازدهی اراضی زیر کشت گذاشت. وقتی که ما پول به اندازه کافی داریم، اگر به چنین مشکلاتی بر میخوریم باید نتیجه بگیریم که عفریت بوروکراسی، این تقاله پس مانده از حاکمیت سرمایه داری وابسته است که در شکوفایی تولید ملی و پاسخگویی اساسی به مسایل انقلاب جلوگیری میکند.

افزایش تولید مواد

پاک کننده

میزان تولید مواد پاک کننده مانند پودر صابون افزایش یافته و با عرضه نسبتا زیاد آن انتظار می رود که قیمت های این دو قلم کالاهای مورد نیاز مردم کاهش یابد و کمبود آن برطرف شود. صابون های قالبی که در کارخانه های داخلی تولید میشود، بعلاوه کمبود مواد اولیه و دیگر مسایلی که صنایع کشور با آن دست به گریبانند، همچنان در سطح بسیار پائینی است، اما میزان تولید صابونهای کوره به دو برابر سال قبل رسیده است.

در ضمن تولید انواع پودر لباسشویی تا پایان خرداد ماه به ۱۲ هزار تن خواهد رسید، که اگر بدرستی توزیع شود میتواند کمبود فعلی بازار را جبران کند. مهمترین مسئله کارخانه ها و کارگاههای تولید کننده پودر لباسشویی، کمبود مواد اولیه و مسایل کارگری بود، که مواد اولیه آن بمیزان زیادی در یکی دو ماه اخیر از خارج خریداری شده است.

یکی از مهمترین موادی که در تولید پودرهای لباسشویی بکار می رود تا پیش از انقلاب از روسیه خریداری میشد، اهمیت این ماده بقدری است که بدون آن تولید امکانپذیر نیست. در واقع بهمین علت هم بود که روسیه امپریالیستی مقدار زیادی از پودرهای مورد نیازش را از ایران می خرید، چرا که صنایع تولید کننده پودر لباسشویی از این نظر وابستگی زیادی به روسیه داشتند و علاوه بر این برای سرمایه داری امپریالیستی حاکم بر روسیه صرف در این بود که پودر مورد نیازش را از ایران بخرد تا خود راسا آنرا تولید کند.

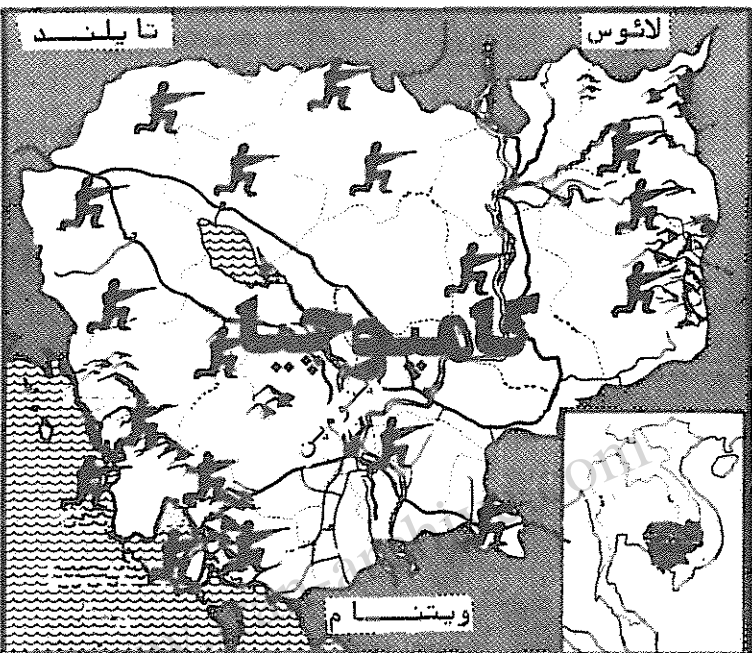
در حال حاضر ایران شروع به خرید مواد اولیه از دیگر کشورها هم نموده است. در نتیجه انتظار می رود که وضع تولید پودر لباسشویی بهبود یابد.

در عین حال وضع نابسامان تولید صابونهای قالبی باعث شده تا صابون پزها تولید خود را تا حد امکان افزایش دهند. کوره های صابون پز بخشی از تولید ملی ایران است که با تکنولوژی بسیار ابتدایی کار میکنند. در عوض کارخانه های تولید صابون قالبی وابستگی های زیادی به خارج دارند. اینجا باز هم اهمیت تقویت اقتصاد ملی و توجه به رشد سرمایه داری ملی بخصوص در رشته های تولیدی، نمایان میشود. هر چند که صابون قالبی عمدتا در شهرستانها و بخصوص در روستاها بفروش میرسد، اما اگر دولت برنامه درستی برای تقویت بنیه صابون پزها و افزایش کارایی و بازدهی کوره هاداشته باشد، مسلما انواع مرغوبتری از این نوع صابونها که یک محصول ملی است، میتواند به بازار عرضه شود.

سوددهی در تولید صابون کوره، از یکسال پیش تا امروز بطور محسوسی افزایش یافته است. بدین لحاظ گرایش سرمایه های ملی به سرمایه گذاری در این بخش ها افزایش یافته است و انتظار می رود که پس از مدتی بعلاوه صنایع فرآوری، عرضه، قیمتتها نیز که سریعاً افزایش یافته متعادل گردد و تا حدودی کاهش یابد. عامل مهمی که در این میان نقش بازی میکند، برنامه ریزی دولت و چگونگی توجه آن به تولیدات ملی است، که اگر توجه درست و مثبتی بنماید خواه ناخواه تولیدات ملی افزایش یافته و حتی با کیفیت بهتری عرضه خواهند شد.

خواستار شد. در هفته اول خرداد هیئت نمایندگی ای از "مرکز داوطلبین ژاپن" از مناطق تحت کنترل دولت کامبوج دیدن نمود و مقادیر زیادی دوا و وسایل جراحی را به ارتش آزادیبخش کامبوج هدیه کرد. همچنین از طرف هیروهیتو امپراطور ژاپن تلگرامی به خیوسامان ارسال شد. ژاپن در تاریخ سوم خرداد اعلام نمود که صد میلیون دلار به پناهندگان کامبوجی در مرز تایلند کمک خواهد نمود.

در روزهای پنجم و ششم خردادماه "کنفرانس کمک به پناهندگان کامبوجی" با شرکت ۶۲ کشور در ژنو برگزار شد. باوجود توطئه های دولت ویتنام در منحرف ساختن سمت کنفرانس، کنفرانس با موفقیت بکار خود پایان داد. کنفرانس ویتنام را بخاطر نگاهداشتن کمکهای رسیده به پناهندگان کامبوجی محکوم ساخت و اعلام نمود که حل مشکل قحطی و پناهندگان کامبوجی فقط با خروج کلیه نیروهای ویتنام از کامبوج امکانپذیر است.



جنگ خلق علیه تجاوزگران ویتنامی سراسر سرزمین کامبوج را فرا گرفته است.

۴- گسترش همه جانبه و فعال کمک و پشتیبانی خلقها و کشورهای سراسر جهان از مبارزات بحق خلق کامبوج.

۵- تعمیق در بکاربرد و پیاده نمودن برنامه سیاسی و سیاست استراتژیک نوین انقلاب توسط ارتش، واحدهای چریکی، بخشهای مختلف دولت و سازمانهای امور خدماتی.

بیانیه سپس به بررسی وضعیت سیاسی کنونی میپردازد و بر این عقیده است که اگر نیروهای متجاوز ویتنامی از خاک کامبوج خارج شوند، اکثریت خلق کامبوجا در یک انتخابات عمومی، آزاد و برای مردم.

مصاحبه با خیوسامان

خیوسامان نخست وزیر کامبوجا در مقر فرماندهی خود در جنگل های غرب کامبوج مصاحبه ای در تاریخ دهم اردیبهشت ماه (۳۰ آوریل) امسال با خبرنگاری چین انجام داد. بخشهایی از این مصاحبه را در زیر می آوریم:

مقامات ویتنامی چه در داخل کشورشان چه در خارج با مشکلات روبرو هستند و بدنبال راه خروج میگردند. هدف آنها استقرار صلح در کامبوجا و یا کاهش تشنج درهند و چین نیست بلکه بدنبال فرصتی برای تجدید قوا هستند تا سلطه شان را برمیهن من تنگ تر سازند.

"ویتنامی ها باین آسانی از کامبوجا بیرون نمی روند. همانطور که روسها باین آسانی از افغانستان بیرون نخواهند رفت. فقط مبارزات قهرمانانه خلقهای کامبوجا و افغانستان با پشتیبانی مستحکم خلقهای جهان است که مجبور خواهد گرد هانوی و مسکو نیروهایشان را بیرون بکشند."

"هم اکنون جنگ از نظر استراتژی بنفع ما تغییر نموده است. این بدین معنی است که ویتنامی ها در حال افول هستند و ما در حال گسب نیرو و ضربه زدن به دشمن می باشیم."

زمانیکه دشمن عملیات گسترده "جستجو و نهدام" را شروع نمود، ما فقط خود را پنهان نمودیم. پس از آن دشمن خسته شد و قوایش را در یک مساحت بزرگ پراکنده نمود. ما هم نیروهایمان را به گروههای کوچک تقسیم نمودیم تا آنها را یک بیک از بین ببریم.

"ما باید یک مبارزه سخت و طولانی بخاطر نجات کامبوجا و حفظ آن به عنوان یک کشور مستقل و حاکم بر سرنوشته خود علیه سلطه طلبی ویتنامی ها به پیش ببریم."

رنجبر و خوانندگان

جمهوری اسلامی می خواهد این مسئله را در این خطه از میهن ما که دارای اهمیت حیاتی برای ایران میباشد مورد حلاجی و حل یابی قرار دهد؟ و آیا از حوادث خونین گذشته، پیشروان خلق عرب و خلقهای ایران و دولت جمهوری اسلامی آموخته اند یا نه؟ ... و در حالیکه از او دور میشدیم صدا میزدیم: نه آمریکا نه روسیه آقا رنجبر ...

قربان شما، الف الف خرمشهر

احساسات ملی در بین خلق عرب ایران

در خرمشهر محله های داریم که بنام مرحوم طالقانی نام گذاری شده است ساکنین این محله را اکثرا "توده های زحمتکش و کارگران بندر تشکیل میدهند که در عین حال اکثریت آنها از خلق عرب میباشند. ما معمولا " برای فروش رنجبر" باین محله می رویم چرا که در این محله از دیگر جاهای خرمشهر فروش نشریه ما بهتر است. و میشود گفت همه مردم این محله ما و نشریه "رنجبر" را

میشناسند.

بعد از ظهر یک روز گرم باتفاق یکی از رفقا برای فروش رنجبر باین محله رفته بودیم و آن رنجبری را برده بودیم که اعلامیه مربوط به ۹ خرداد روز سوم حادثه خرمشهر را در آن چاپ کرده بودند. طبق معمول هر کس را میدیدیم جلو رفته و میگفتیم: آقا رنجبر میخواهید؟ ...

در حالیکه رنجبر را صدا میزدیم آقائی سیاه چهره از کنار ما رد شد

۲۳ خرداد سالروز قیام خونین کارگران کوره پزخانه های تهران گرامی باد!

اقتصاد دولتی کنونی ما را به کجا می برد؟

در حاشیه مصاحبه مدیر عامل سازمان برنامه و بودجه

از فعالیت و مشر ثمر بودن در حیات اقتصادی کشور محروم کرده است. آنچه را که هم اکنون بخش دولتی اداره میکند چیزی جز هزینه بالا و تولید کم یعنی ضرر و زیان نیست چرا که در نظام سرمایه داری بخصوص عقب افتاده، منجمده در کشور تحت سلطه امپریالیسم، دولت و بوروکراسی دولتی هیچگاه تولید کننده مقصد و کارآیی نمیتواند باشد.

آقای سحابی در مصاحبه خود مشکلات دولتی شدن اقتصاد در کشورهای باصطلاح "سوسیالیستی" را ذکر میکند. صرفنظر از اشتباه فاحش در "سوسیالیستی" خواندن آنچه که در شوروی و اروپای شرقی حاکم است. باید متذکر شد که مشکلات این کشورها از جمله ناشی از همین سرمایه داری دولتی است و این دولتی شدن سرمایه داری و متمرکز شدن همه چیز در یک بوروکراسی غول آسا، در کشور "مادر" یعنی شوروی فاشیسم به ارمغان می آورد و در کشورهای دیگر وابستگی و یکی از خطرات دولتی شدن اقتصاد در کشورهای جهان سوم همین امر است که آنها بسمت وابستگی به سوسیال امپریالیسم سوق میدهد تا بوروکراسی در مانده از حل مشکلات نتواند حداقل منافع خود را در پناه وابستگی تأمین کند. بیهوده نیست که وابستگان و طرفداران روسیه و چپ نماها اینقدر اصرار در ضربه زدن به سرمایه داری ملی و دولتی شدن همه چیز تحت نام "ملی کردن" دارند چون آنها میدانند که در اینصورت کارما به کجا خواهد رسید. دولت باید با حل مسائل سیاسی جامعه و با کمک و ایجاد امکانات برای بخش خصوصی یعنی سرمایه های کوچک و متوسط و کمک به توسعه بخش تعاونی، اقتصاد ملی را شکوفان سازد، و خود تنها صنایع اساسی و مادر را تحت اختیار بگیرد و در دیگر زمینه ها نقش ارشادی و هدایت کننده داشته باشد. در شرایط کنونی تنها با برقراری مناسبات صحیح میان اقتصاد دولتی، تعاونی و خصوصی میتوان ساختمان اقتصادی ملی، خودکفا و مستقلی را بدین وابستگی به امپریالیسم سرمایه و یا سوسیال

دکتر عزتاله سحابی وزیر مشاور و مدیر عامل سازمان برنامه و بودجه در یک مصاحبه تلویزیونی در باره مسائل بودجه و مشکلات اقتصادی کشور صحبت کرد. در سخنان دکتر سحابی سه نکته زیر جلب نظر میکرد:

۱- حجم تولیدات کشور به ۴۰ درصد زمان رژیم سابق تنزل کرده است.
۲- بعد از انقلاب تاکنون اقتصاد ایران بسرعت بسمت دولتی شدن رفته و در حال حاضر ۹۰ تا ۹۵ درصد اقتصاد در دست بخش دولتی است و بخش خصوصی سهم بسیار ناچیزی دارد.
۳- اگر وضع اقتصادی ایران در همین جهتی که تاکنون پیش رفته برود، آینده قابل پیش بینی، سقوط دولت و روی کار آمدن یک دیکتاتوری "چپ" یا راست است.
نکته اول یک اطلاع آماری است که تصویری از وضع بدست میدهد و نکته آخری نیز نوعی هشدار است و ماقبل "بدفعات نوستیم که بحران اقتصادی کشور علل سیاسی دارد منجمده ناشی از هرج و مرج و عدم ثبات سیاسی است.

و اما نکته قابل توجه سرعتی است که اقتصاد ایران بسمت دولتی شدن طی کرده است. این امر را باید بسیار منفی و حتی خطرناک تلقی کرد. زیرا دولتی شدن زمینه های گوناگون اقتصاد عمدتاً ناشی از هم پاشیدگی و ورشکسته شدن آن زمینه ها و عدم اطمینان بخش خصوصی از وضع سیاسی اجتماعی کشور است، نه ناشی از توانائی دولت در اداره این زمینه ها. بخش خصوصی اقتصاد ایران رادر حال حاضر عمدتاً "سرمایه داری کوچک و متوسط ملی تشکیل میدهد که در رژیم سابق زیر فشار سرمایه داری کمپرادور و بوروکرات وابسته به امپریالیسم بود. سرمایه داری ملی ایران یکی از جریانات بسیار مهمی است که میتواند در مبارزه برای قطع وابستگی ورسیدن به خودکفائی کمک قابل توجهی به اقتصاد کشور بکند. اما سیاستها و شیوه های انقلابیگری کاذب و چپ نمائی در حاکمین و در نه ها، اساس جامعه است. بخش

۱۰۸ ریال به مزد کارگران، گرفتن حق اولاد و حق خواربار و لباس کار و تعطیلات و مرخصی با استفاده از حقوق بود، دست یافتند. این پیروزی را کارگران در سایه اتحاد و همبستگی و تشکل خود بدست آوردند و اراده آنها به وحدت و یکپارچگی و مبارزه برای پیروزیهای بزرگتر استوارتر گردید.

حزب رنجبران ایران، از همان آغاز اعتصاب از طریق "رنجبر" و پخش اعلامیه، بطور وسیعی از خواستهای بحق و عادلانه کارگران کوره پزخانه ها دفاع و پشتیبانی کرد. در اعلامیه "حزب رنجبران" که بهمین مناسبت و با عنوان: "پیروزیاد مبارزات بحق کارگران کوره پزخانه"، منتشر شد، آمده است: "کارگران مبارز کوره پزخانه سالیان درازی است که بار سنگین ستم را بردوش داشته اند. کمی دستمزد، سختی و زیادبودن ساعات کار، گار و زندگی در محله های سراسر از لجن و زباله، نداشتن ابتدائی ترین وسایل زندگی، نداشتن حق بیمه و بازنشستگی به شدت کارگران را زیر فشار قرار داده است. سختی زندگی به حدی است که حتی کودکان به جای درس خواندن باید در تمام روز کار کنند..."

در ادامه این اعلامیه آمده که: "متأسفانه با گذشت حدود یکسال و نیم از انقلاب، وزارت کار و مقامات مسئول اقدام مهمی برای بهبود زندگی این زحمتکشان انجام ندادند و به اعتراضات بحق کارگران تاکنون پاسخ مثبتی ندادند. بخصوص اینکه در طول یکسال گذشته قیمت ها بسیار بالا رفته اما دستمزد کارگران کوره پزخانه ها نه تنها زیاد نشده بلکه کمتر هم شده است و این فشار روز افزون کاسه صبر کارگران را لبریز و آنها را وادار به اعتصاب نموده است. در پایان اعلامیه آمده: "حزب رنجبران ایران بی توجهی مقامات مسئول را نسبت به خواسته های کارگران محکوم مینماید و از مبارزه کنونی کارگران زحمتکش کوره پزخانه ها برای افزایش دستمزد و بهبود وضع کار و زندگی پشتیبانی

رژیم ضد خلقی شاه به قوای انتظامی که کوره ها را اشغال کرده بودند دستور حمله به کارگران اعتصابی را صادر کرد... در نتیجه ۵۰ نفر از کارگران قهرمان کوره پزخانه به شهادت رسیدند و صدها نفر نیز زخمی شدند. صدها تن از فعالین کارگری را نیز دستگیر و به سیاه چال ها روانه کردند....

دیکتاتوری ملت ایران گرامی میسازد. باین علت که اعتصاب متحد و یک پارچه کارگران کوره های بعد از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد و سرکوب مبارزات آزادیخواهان و وضد امپریالیستی ملت ایران، یکی از مهمترین و بزرگترین مبارزات مردم ما در این دوران است. این اعتصاب بخشی از مبارزات دلاورانه طبقه کارگر ایران بود که پس از کودتای ۲۸ مرداد و خیانت و فرار رهبری حزب توده همچنان به مقاومت و مبارزه خود علیه امپریالیسم و رژیم وابسته شاهنشاهی ادامه میداد. این اعتصاب نه اولین و نه آخرین اعتصاب کارگران زحمتکش کوره ها بود. پس از قیام خونین ۲۳ خرداد ۱۳۳۸ تا به امروز، مبارزه کارگران زحمتکش کوره ها برای بهبود شرایط کار و تامین یک زندگی اولیه و

این اعتصاب، بخشی از مبارزات دلاورانه طبقه کارگر ایران بود که پس از کودتای ۲۸ مرداد و خیانت و فرار رهبری حزب توده و محروم از ستاد رهبری کنسیده همچنان به مقاومت و مبارزه خود علیه امپریالیسم و رژیم وابسته شاهنشاهی ادامه میداد.

انسانی همچنان ادامه داشته است. کارگران زحمتکش کوره ها ۱۶ ماه پس از پیروزی انقلاب نیز هنوز در بدترین شرایط بسر برده و از ابتدائی ترین حقوق کارگری محروم می باشند و شدیداً توسط کارفرمایان خیره سر و زالوجهت استعمار میشوند. آنها از محرومترین اقشار کارگران هستند و هیچگونه ضابطه و قانونی بر ساعات کار، میزان دستمزد، تعطیلی، بیمه و بهداشت

۲۱ سال بیش از ۳ هزار نفر از کارگران کوره پزخانه های تهران به عنوان اعتراض به شرایط سخت کار و زندگی مشقت بار خود و باخواست ۳۵ درصد اضافه دستمزد، دست به اعتصاب زدند. رژیم ضد مردمی و وابسته شاه با اعزام مأموران ساواک، شهرپاکی و ژاندارمری و اشغال تمام کوره ها و سرکوب خونین کارگران به مقابله با کارگران اعتصابی برخاست. بسا اینهمه رژیم منفور و ضد کارگری شاه سرانجام ناچار شد که در مقابل مبارزات کارگران زحمتکش کوره پزخانه ها، به خواستهای بحق و عادلانه آنان تسلیم شده و به بخشی از درخواستهای کارگران تن دردهد. اولین جرعه اعتصاب در روز اول خرداد ۳۸ از طرف کارگران کوره پزخانه "اعلا" زده شد و چندی کوره دیگر نیز به آنها پیوستند. ولی این اعتصاب با عده و عیدهای کارفرماها شکسته شد. سپس در روز ۱۵ خرداد اعتصاب عمومی و یکپارچه کارگران کوره پزخانه ها با شرکت بیش از ۳ هزار نفر کارگران کوره پزخانه ها شروع شد و تمام کوره پزخانه های تهران را دربر گرفت. این اعتصاب تا روز ۲۳ خرداد و بمدت ۹ روز بطول انجامید. اعتصاب زمانی شروع شد که شاه خائن به خارج کشور سفر کرده بود و همین امر سبب شده بود که این توهم دربین عده ای از کارگران بوجود بیاید که تا بازگشت شاه صبر کنند و بعد دست به اعتصاب بزنند. ولی پس از اشغال کوره ها توسط نیروهای سرکوبگر رژیم، سطح مبارزاتی کارگران چنان بالا رفت که شعار مرگ بر شاه داده میشد. کارگران اعتصابی در محوطه کوره ها راهپیمائی کرده و شعار میدادند و خواستار اضافه دستمزد خود بودند. آنها کامیونهای آجر را واژگون کرده و مانع خروج آجر از کوره ها به شهری شدند. سرانجام در روز ۲۳ خرداد، رژیم ضد خلقی به قوای انتظامی که کوره ها را اشغال کرده بودند دستور حمله به کارگران اعتصابی را صادر کرد. کارگران زحمتکش و خانواده های آنها به رگبار مسلسل بسته شدند و در نتیجه ۵۰ نفر از کارگران قهرمان کوره پزخانه به شهادت رسیدند.

کوره بزخانه به شهادت رسیدند و صدها نفر نیز زخمی شدند. ماه مورین سازمان جهنمی تن از فعالین کارگری را نیز دستگیر و به سیاهچالها روانه کردند. رژیم علیرغم این سرکوب وحشیانه، در مقابل کارگران قهرمان کوره ها به زانو درآمده و ناگزیر شد که به خواست بحق و عادلانه کارگسران مبنی بر اضافه شدن دستمزد آنان تن بدهد.

طبقه کارگر ایران همه ساله روز ۲۳ خرداد سالروز قیام قهرمانانه کارگران کوره بزخانه های تهران را به عنوان روزی بزرگ در تاریخ مبارزات طبقه کارگر ایران و در تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی وضد

بناظر میرسد که مدتی است جریان موسوم به "راهکارگر" به امامزاده چپ نماها بدل گشته است و از هر سو سرخوردگان و لغزیدگان جنبش "چپ" از راستهای جریانیه و "ساکایی" تا "چپ" های دوا تشه "خط سویی"، از فرمیست های "توده‌های" تا چریکهای سرخورده همه وهمه راه نجات خود را در کرامات "راه کارگر" می‌جویند! و بدین ترتیب هر روز بیش از پیش روشن میشود که راه کارگر "به ظرفی برای جمع آوری تکه‌های کنده شده از گروههای چپ نما تبدیل گشته است. راه کارگر" از همان ابتدا با وقیحانه ترین تبلیغات بسود امپریالیسم روسیه از یکسو و "رادیکال" ترین مواضع ضد رژیم جمهوری اسلامی از سوی دیگر، خود را بمنایه گودال مناسبی برای گردآوری "چپ" های سرگردان و واژه از سازمان های "چپ" بسود مشی طرفدار روسیه عرضه کرده بود.

کوره بزخانه به شهادت رسیدند و صدها نفر نیز زخمی شدند. ماه مورین سازمان جهنمی تن از فعالین کارگری را نیز دستگیر و به سیاهچالها روانه کردند. رژیم علیرغم این سرکوب وحشیانه، در مقابل کارگران قهرمان کوره ها به زانو درآمده و ناگزیر شد که به خواست بحق و عادلانه کارگسران مبنی بر اضافه شدن دستمزد آنان تن بدهد.

طبقه کارگر ایران همه ساله روز ۲۳ خرداد سالروز قیام قهرمانانه کارگران کوره بزخانه های تهران را به عنوان روزی بزرگ در تاریخ مبارزات طبقه کارگر ایران و در تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی وضد

بناظر میرسد که مدتی است جریان موسوم به "راهکارگر" به امامزاده چپ نماها بدل گشته است و از هر سو سرخوردگان و لغزیدگان جنبش "چپ" از راستهای جریانیه و "ساکایی" تا "چپ" های دوا تشه "خط سویی"، از فرمیست های "توده‌های" تا چریکهای سرخورده همه وهمه راه نجات خود را در کرامات "راه کارگر" می‌جویند! و بدین ترتیب هر روز بیش از پیش روشن میشود که راه کارگر "به ظرفی برای جمع آوری تکه‌های کنده شده از گروههای چپ نما تبدیل گشته است. راه کارگر" از همان ابتدا با وقیحانه ترین تبلیغات بسود امپریالیسم روسیه از یکسو و "رادیکال" ترین مواضع ضد رژیم جمهوری اسلامی از سوی دیگر، خود را بمنایه گودال مناسبی برای گردآوری "چپ" های سرگردان و واژه از سازمان های "چپ" بسود مشی طرفدار روسیه عرضه کرده بود.

درواز زده تا غروب کار میکنند تا لقمه نانی بدست بیاورند و شکم خود و زن و بچه شان را سیر کنند. استثمار بیرحمانه، سختی کار، ساعات طولانی کار، بدی تغذیه، وضع بد بهداشتی و محروم بودن از خدمات پزشکی و دوا و درمان، آلودگی محیط کار، کارکردن زیر تیغ آفتاب در دل تابستان، نداشتن وسیله رفت و آمد به شهر، نداشتن مسکن، نداشتن مدرسه و حمام، گرانی و... اینها مسائل تنها گوشه کوچکی از زندگی مشقت بار زحمتکشان کوره بزخانه‌ها در حال حاضر هستند.

این اعتصاب با پیروزی همراه بود و کارگران به قسمتی از خواسته‌های خود که اضافه شدن روزی

گذشته در اروپا بعهد گرفته است. خبرگزاری آسوشیتد پرس که این خبر را از مباحثه مجله‌ایتالیایی پانوراما یا قذافی منتشر کرده است در ادامه گزارش خود مینویسد که طبق اخطار قذافی، کلیه کسانی که لبی را ترک کرده‌اند اگر تا دهم ماه ژوئن به لبی باز نگردند بدون استثنا "تصفیه" خواهند شد.

جوخه مرگ: آخرین ابتکار قذافی

سرهنگ قذافی، رهبر لبی، بار دیگر به مخالفین رژیم خود، که در خارج کشور بسر می‌برند اخطار کرد که اگر تا دهم ژوئن به لبی باز نگردند بوسیله جوخه مرگ اعزام خواهند شد! جوخه مرگ که به ابتکار قذافی تحت عنوان کمیته‌های انقلابی تشکیل شده‌است تا کنون مسئولیت کشتار هشت نفر را طی دوماه و نیم

سرهنگ قذافی، رهبر لبی، بار دیگر به مخالفین رژیم خود، که در خارج کشور بسر می‌برند اخطار کرد که اگر تا دهم ژوئن به لبی باز نگردند بوسیله جوخه مرگ اعزام خواهند شد! جوخه مرگ که به ابتکار قذافی تحت عنوان کمیته‌های انقلابی تشکیل شده‌است تا کنون مسئولیت کشتار هشت نفر را طی دوماه و نیم

راه کارگر: گذرگاهی بسوی امپریالیسم روسیه

غاصب چریکها و "راه کارگر" در این باره، علیرغم مبارزه‌ای که بر سر کسب نوکری رسی روسیه با یکدیگر دارند، موید این مدعای ماست.

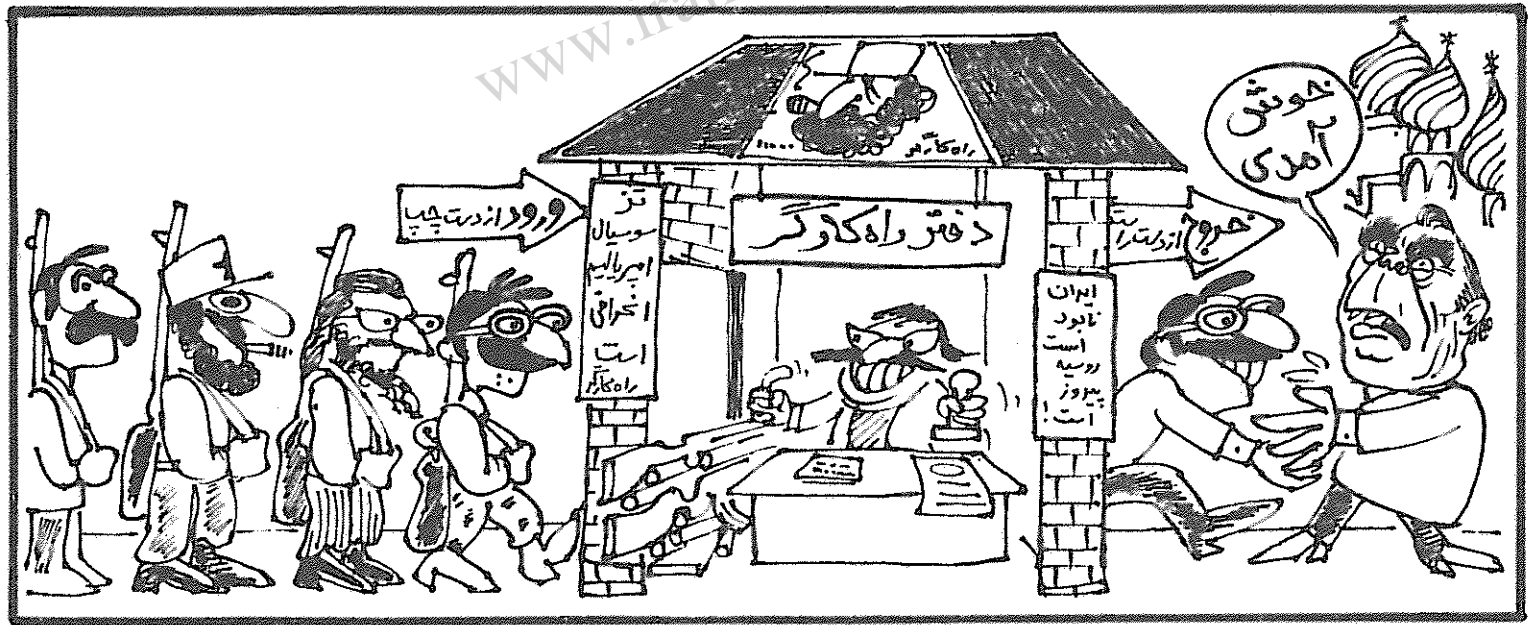
"راه کارگر" از همان ابتدا همواره انترناسیونالیسم سوسیال - امپریالیستی را حتی با حرارت تر از خود روسها تبلیغ نموده است، روشن میشود که این دو علیرغم قبول انترناسیونالیسم سوسیال - امپریالیستی و رهبری جهانی روسیه می‌باشد وبا توجه به اینکه

اختلافات ظاهری، باهم تفاوت اساسی ندارند. آنها به لحاظ اساسی ترین مسئله یعنی سجده در برابر امپریالیسم روسیه، از یک قماشند.

کند که باب طبع "چپ" های سر خورده از سازمانهای چپ نمابوده و جاذبه کافی برای جلب آنان داشته باشد.

"راه کارگر" که تا دیروز حکومت ملی جمهوری اسلامی را وابسته به آمریکا دانسته و با رهبری غاصب چریکها بعلت عدم "قاطعیت کافی" در مبارزه علیه رژیم وابسته در جنگ زرگری بود اکنون خود اعلام میکند که: "با پیروزی قیام مسلحانه بهمین ودر هم شکستن دیکتاتوری دست نشاندۀ آمریکا، در ایران حکومتی قدرت سیاسی را در دست گرفت که نمیتوان آن را دولت دست نشاندۀ و یا وابسته به آمریکا نامید."

"راه کارگر" (شماره ۲۶) مسلم اینکه "راه کارگر" بنا به "مقتضیات" و "الزامات" سیاست طرفداری از روسیه و در صورت لزوم دست به تغییر موضع های بزرگتری نیز خواهد زد و این درس بزرگی است برای "چپ" های سرگردان که در جستجوی ماوای سیاسی جدیدی به "راه کارگر" پناه می‌برند. آنها باید این واقعیت را درک کنند که در عصر امپریالیسم، آنچه قبل از هر چیز معرف و ضامن اصالت سیاسی یک تشکیلات است همانا موضع ضد امپریالیستی آن و در زمان ما موضع ضد دوا بر قدرت آمریکا و روسیه است. حاملین مشی طرفداری از روسیه چه در قیای افراد رهبری غاصب چریکها و چه در پوشش "راه کارگر" هر یک به گونه‌ای راه را برای تسلیم در برابر امپریالیسم روسیه و انقیاد ملی هموار میکنند. بریدن از گروههای سترونی "چپ" و پناه بردن به "راه کارگر" افتادن از چاله به چاله است.



اکنون دیگر با قاطعیت میتوان گفت که "راه کارگر" از همان آغاز چیزی جز یک "اطاق انتظار" برای مشی طرفداری از روسیه نبوده‌است. گذرگاهی که در آن با رنگ و لعاب "انقلابی" به چپ نماها آموزش سرسپردگی به سوسیال - امپریالیسم شوروی داده میشود.

مشی طرفداری از روسیه در طیف "چپ" ایران گرچه با پوشش های گوناگونی عرضه میشود، اما گونه های مختلف عرضه این مشی در "سوسیالیستی" نامیدن روسیه امپریالیستی و پشیمانی از آن بمنابسه متحد و "دوست" مردم ایران متفق القولند. مواضع مشترک باند کیانوری در حزب توده، رهبری